



بررسی تحریکات

فهرست مطالب

- ۱- آنچه باید بدانیم - توسعه اقتصادی ۲
- ۲- اقتصاد بازرگانی ۴
- ۳- اقتصاد گردشگری ۵
- ۴- اقتصاد رفتاری ۷
- ۵- معرفی اقتصاد رفتاری تیلر ۸
- ۶- بررسی از کتاب کثرت رفتاری ۱۰
- ۷- نظریه نوسازی ۱۱
- ۸- پولشویی ۱۳
- ۹- جهانی شدن و توسعه اقتصادی ۱۵
- ۱۰- مقاله- اثرات مصرف انرژی بر رشد بخش کشاورزی در ایران ۲۰
- ۱۱- معرفی کتاب ۲۳ اصل موفقیت آمیز ورن بافت ۲۷

عنوان :

توسعه اقتصادی

زمینه انتشار :

علمی - تخصصی

صاحب امتیاز :

انجمن علمی دانشجویی اقتصاد محقق اردبیلی

مدیر مسئول :

رقیه قلی زاده

سر دبیر :

الهام عبدی

ناظر علمی:

دکتر زهرا فتوره چی

هیأت تحریر:

رقیه قلی زاده، الهام عبدی، شهلا موسوی، سعید ساسانیان،

مهدی غلامی

طراح و گرافیک :

رضا رسول زاده

سخن سردبیر

از آنجایی که مطالعه و تحلیل مسائل اقتصادی از مهم‌ترین ابزارهای اقتصاددانان است. فصلنامه علمی دانشجویی «توسعه اقتصادی» از مهر ماه ۱۳۹۷ فعالیت خود را برای ارتقاء این دو مهم آغاز کرد. اینک اولین شماره از نشریه را تقدیم نگاه اندیشمند و نکته‌سنجتان کرده‌ایم که شامل گزیده‌ای از مطالب مرتبط با علم اقتصاد است که توسط دانشجویان رشته اقتصاد در مقطع کارشناسی ارشد مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با وجود اینکه از سال ۱۷۷۶، علم اقتصاد علمی جدا از سایر علوم معرفی شد؛ برخی صاحب‌نظران، آن را مرتبط با بسیاری از علوم می‌دانند. رشته‌هایی نظیر اقتصاد سلامت و اقتصاد هنر و... از این دست موضوعات میان رشته‌ای هستند که زمینه‌های مناسبی را برای تحقیق و گسترش علم اقتصاد فراهم ساخته‌اند. علاوه بر معرفی و بررسی موضوعات یاد شده به مسائل دیگری از قبیل معرفی انواع اقتصاد، جهانی شدن، پولشویی و... پرداخته شده است.

امیدواریم اساتید محترم و تمام خوانندگان فرهیخته نشریه، با ارائه نقطه‌نظرات کارشناسانه خود ما را در ارتقاء هر چه بیشتر نشریه یاری نمایند. در پایان لازم می‌دانم از معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه محقق اردبیلی، انجمن علمی دانشجویی اقتصاد، نویسندگان بزرگوار و تمام کسانی که در انتشار این شماره از نشریه ما را یاری کردند تشکر نمایم، که اگر حضور پشتیبانی گرم آنان نبود هیچگاه این نشریه منتشر نمی‌شد.

با آرزوی موفقیت

الهام عبدی

سردبیر



آنچه باید بدانیم - توسعه اقتصادی

رقیه قلی زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد-گرایش توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی



آتش جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظامی عمومی در جهان (در کنار به استقلال رسیدن بسیاری از کشورهای مستعمره‌ای)، این شکاف به خوبی نمایان شد و ملل مختلف جهان را با این سوال اساسی مواجه ساخت که "چرا بعضی از مردم جهان در فقر و گرسنگی مطلق به سر می‌برند و بعضی در رفاه کامل؟". از همین دوران اندیشه‌ها و نظریه‌های توسعه در جهان شکل گرفت. در این دوران، بسیاری از مردم و اندیشمندان، چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای جهان سوم، تقصیر را به گردن کشورهای قدرتمند و استعمارگر انداختند. بعضی نیز مدرن‌نشدن (حاکم‌نشدن تفکر مدرنیته بر تمامی ارکان زندگی جوامع سنتی) را علت اصلی می‌دانستند و "مدرن‌شدن به سبک غرب" را تنها راهکار می‌دانستند. بعضی دیگر نیز وجود حکومت‌های فاسد و دیکتاتوری در کشورهای توسعه‌نیافته و ضعف‌های فرهنگی و اجتماعی این ملل را مسبب اصلی معرفی می‌نمودند. عده‌ای هم "دین" یا حتی "ثروت‌های ملی" را علت رخوت و عدم حرکت مثبت این ملل تلقی می‌نمودند. به هر تقدیر این که کدام (یا کدامین) علت (یا علت‌ها) اصلی و یا اولیه بوده است و یا اینکه در هر نقطه از جهان، کدامین علت حاکم بوده است از حوصله این بحث خارج است.

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی او همواره در حال بهبود و ارتقا بوده است. بعد از انقلاب فرهنگی-اجتماعی اروپا (رنسانس) و متعاقب آن انقلاب صنعتی، موج پیشرفت‌های شتابان کشورهای غربی آغاز گردید. تنها کشور آسیایی که تا حدی با جریان رشد قرن‌های نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی غرب همراه گردید کشور ژاپن بود. بعد از رنسانس که انقلابی فکری در اروپا رخ داد، پتانسیل‌های فراوان این ملل، شکوفا و متجلی گردید اما متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی روند روبه‌رشدی را تجربه نکرده و بعضاً سیری نزولی طی نمودند. البته بعضاً حرکت‌های مقطعی و موردی در این کشورها صورت گرفت اما از آنجاییکه با کلیت جامعه و فرهنگ عمومی تناسب کافی را نداشت و مورد حمایت واقع نگردید، به سرعت مزمحل گردید. محمدتقی‌خان امیرکبیر در ایران، نمونه‌ای از این دست است. مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح گردید. فشار صنعتی‌شدن و رشد فناوری در این کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب‌مانده عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد: کشورهای پیشرفته (یا توسعه‌یافته) و کشورهای عقب‌مانده (یا توسعه‌نیافته). با خاموش شدن

اهداف توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر)، و دوم، ایجاد اشتغال، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

تعریف توسعه اقتصادی

"توسعه اقتصادی" عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل شود اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. بعلاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد.



شاخص های توسعه اقتصادی

کشور های توسعه یافته ، عواملی را به عنوان عوامل توسعه یافتگی برگزیده اند ، و از این عوامل برای سنجش میزان فاصله ی کشور های توسعه نیافته و یا در حال توسعه با خود بهره می گیرند. برخی از مهم ترین شاخص های توسعه عبارت اند از :

۱- شاخص درآمد سرانه

از تقسیم درآمد ملی (تولید ناخالص داخلی) یک کشور به جمعیت آن به دست می آید که نشان می دهد متوسط درآمد یک فرد جامعه در طول یک سال چه قدر است . کشورهای توسعه یافته درآمد سرانه بالا تری نسبت به کشورهای در حال توسعه دارند . اما عکس این امر برقرار نیست. یعنی ممکن است کشوری در حال توسعه باشد اما درآمد سرانه بالایی داشته باشد (مثل امارات متحده عربی) درآمد سرانه هر ایرانی در سال ۲۰۰۰ از لحاظ «قدرت خرید» برابر ۸۷۰۰ دلار آمریکا بوده است. ایران با این سرانه در رتبه ۷۴ جهان قرار می گیرد. (به نقل از مجله اکونومیست ۲۰۰۱) این در حالی است که تولید ناخالص داخلی ایران در رتبه ۱۷ جهانی جای دارد. (به نقل از سازمان اطلاعاتی آمریکا و صندوق بین المللی پول) برای نمونه طبق اعلام بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ میزان ناخالص داخلی ایران ۲۲۸۸۹ میلیون دلار بوده است. به گزارش بانک مرکزی همچنین ، ایران در سال جاری (۲۰۱۰) شاهد تولید ناخالص داخلی برابر با ۳۳۷ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار خواهد بود.

۲- شاخص برابری قدرت خرید

با توجه به این که قیمت ها در جوامع مختلف قابل مقایسه نیست ، از این شاخص استفاده می شود . به این ترتیب که ابتدا مقدار تولید کالاهای آن کشور در قیمت جهانی ضرب می شود و سپس تولید ناخالص ملی و از این طریق درآمد سرانه محاسبه می شود. این کار باعث می شود امکان مقایسه ی درآمد سرانه بین دو کشور فراهم شود. برای مثال میزان تولید ناخالص ملی در ایران در سال ۲۰۰۶ برابر ۵۴۰۲۰۷ میلیون دلار طبق محاسبه از طریق شاخص برابری قدرت خرید بوده است . که این میزان برای ایالات متحده آمریکا ۱۲۴۰۹۱۴۵ میلیون دلار بوده است. در آن سال ایران در رتبه بیست و یکم کشورهای جهان قرار داشته است. درآمد سرانه ایرانیها براساس شاخص برابری قدرت خرید در سال ۲۰۰۱ میلادی ۷۰۷۱ دلار بوده است که به ۸۷۶۷ دلار در سال ۲۰۰۴ میلادی افزایش یافت. میزان درآمد سرانه ایرانیان براساس شاخص برابری قدرت خرید در سال ۲۰۰۸ میلادی به ۱۱ هزار و ۲۵۰ دلار رسید. (گزارش سازمان اطلاعاتی آمریکا به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی) شاخص سرانه قدرت خرید هر ایرانی در سال ۲۰۰۹ طبق اعلام وزیر اقتصاد ۱۲ هزار و ۵۰۰ دلار بوده است. (خبرگزاری ایسنا)

منابع:

- ۱- آمارهای صندوق بین المللی پول
- ۲- گزارش های سالیانه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۳- پایگاه های خبری ایران ، اقتصاد نو ، تابناک ، آفتاب ، همشهری آن لاین و...



دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد-گرایش توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی

اقتصاد بازرگانی

رقیه قلی زاده



بازرگانی خارجی

مان در سال ۱۶۲۱ کتابی تحت عنوان «بحثی درباره تجارت انگلستان با هند شرقی» منتشر کرد. وی در این کتاب می نویسد: «مادامی که صادرات کل نسبت به واردات کل فزونی داشته باشد خروج پول از کشور از طریق هریک از رشته های تجارتی زیانی در بر ندارد.»

در سال ۱۶۳۰ توماس مان کتاب معروف «خزانه داری انگلستان به وسیله تجارت خارجی» را نوشت و نظریات مرکانتیلیستی خود را شرح داد که پس از مرگ وی توسط پسرش انتشار یافت. در فصل دوم این کتاب مسائل اساسی اقتصاد مورد توجه توماس مان قرار گرفت که شامل «وسائل ثروتمند کردن و افزایش خزانه امپراطوری انگلستان» و «چگونگی ثروتمند شدن امپراطوری» تجزیه و تحلیل شده است، مان برای رسیدن به این هدف ها می نویسد: «امپراطوری انگلیس با تولید کالا و یا اندوختن سرمایه ثروتمند نمی شود بلکه تنها راه افزایش ثروت امپراطوری فزونی صادرات بر واردات است.

البته کشوری که بخواهد کالا صادر کند باید تولید نماید ولی تولید به خودی خود مهم نیست بلکه این کار باید در راه فکری بزرگتر که اندوختن طلا باشد انجام گیرد.»

نظریه هارود دومار

توماس مان به جای توجه به تراز بازرگانی جداگانه با هر کشور به تراز بازرگانی کلی توجه دارد. به این معنی که انگلستان باید در بازرگانی خود با کشورهای خارجی در مجموع تراز بازرگانی به دست آورد نه با یک به یک کشورها. بنابراین اگر انگلستان در بازرگانی با یک به یک چند کشور کسر تراز بازرگانی پیدا کرد ولی در مجموع تراز بازرگانی مثبت داشت و بازرگانی برای آن سودآور بوده است.

مان بیش از آنکه به تولید توجه داشته باشد به تجارت اهمیت می دهد و می گوید: «اگر دادوستد در هر صورت سودمند بود باید در درجه اول به کار تجارت پرداخت.»

با توجه شدید به بازرگانی خارجی توماس مان به این نتیجه عجیب رسید که تجارت در داخل کشور باعث افزایش ثروت نمی گردد و می نویسد:

«ما یا در داخل با یکدیگر تجارت می کنیم یا با خارج اگر بین خود تجارت کنیم ثروتی به کشور ما اضافه نمی شود زیرا نفع یکی مستلزم ضرر دیگری است ولی اگر با خارج تجارت داشته باشیم در آن صورت است که ثروتمند می شویم.»

بازرگانی خارجی (ادامه)

توماس مان در کتاب خود تولید داخلی و نقش آن را در افزایش ثروت انگلستان مورد بحث قرار داده و می نویسد: «انگلستان کشور ثروتمندی است ولی اگر زمین های لم یزرع آن به کشت توتون، کنف، کتان و سایر محصولات که از خارج خریداری میشود اختصاص داده شود ثروت آن بیشتر خواهد شد. وی همچنین توصیه می کند که کالاهای صادراتی انگلیس به وسیله کشتی های انگلیسی حمل شوند تا حق بیمه و کرایه حمل نصیب خود مردم انگلستان شود.»

مسئله صدور طلا

توماس مان در دفاع از روش های کمپانی هند شرقی در مورد صدور طلا برای پرداخت قیمت کالاها، بازرگانی چند جانبه را بیش از بازرگانی دو جانبه مورد اهمیت قرار داده و می نویسد:

«...برخی کشورها هستند که انگلستان به کالاهای آنها نیازمند است ولی آنها بلعکس کمتر کالاهای انگلیسی مصرف می کنند و از این جهت انگلستان مجبور است برای خرید کالا از اینگونه کشورها در مقابل پول بپردازد. حال اگر تجارت به همین طریق همه جانبه ادامه یابد و صادرات بر واردات فزونی داشته باشد، صدور طلا در ازای خرید کالا که در این کشورها تحقق می یابد بلامانع است.»

منابع:

وحیدی، حسین، ۱۳۴۶، تاریخ عقاید اقتصادی، جلد اول تهران، انتشارات کتابخانه سنایی، ۵۰-۵۳



اقتصاد گردشگری

رقیه قلی زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد-گرایش توسعه اقتصادی و برنامه ریزی



دنیای امروز دنیای تحولات سریع و گسترده در تمام ابعاد است. تجارت جهانی در ابتدای هزاره سوم نیز از این قاعده خارج نیست و در سطحی گسترده و با سرعت هر چه تمام تر متحول شده است. حال و هوای امروز تجارت ناشی از جهانی شدن آن دارد، فرایندی که منجر به حضور و رقابت تنگاتنگ ظرفیت های مختلف تجاری شده است.

تجارت به عنوان موتور رشد اقتصاد ملی، حلقه پیوند اقتصاد بین المللی و اقتصاد ملی است. در کشور ایران علی رغم اقداماتی که در جهت رشد تجارت خارجی و حضور بیشتر در بازارهای جهانی صورت گرفته است، متأسفانه به لحاظ اصرار ناپجا و اتکالی

بیش از حد به سیستم سنتی، هنوز که تحولاتی که متناسب با شان و جایگاه ایران در صحنه تجارت بین المللی باشد به وجود نیامده است. بهره گیری از برنامه ریزی ها، سیاست گذاری ها، ابزارها، شیوه ها و روندهای نوین تجارت بین المللی رویکردی است که باید مورد توجه فعالان عرصه تجاری قرار گیرد.

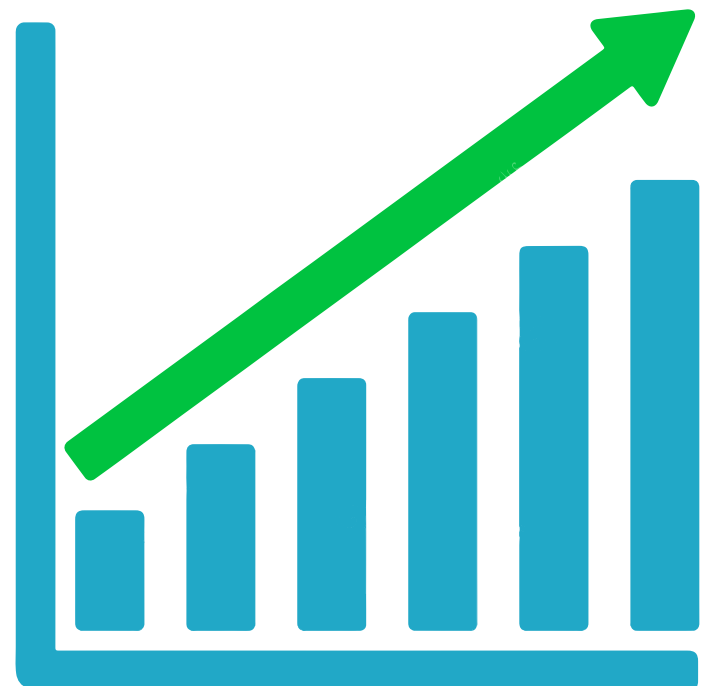
در حال حاضر صنعت گردشگری به مهمترین فعالیت اقتصادی جهان پس از صنایع نفت و خودروسازی تبدیل شده است. بر اساس مخارج سالانه گردشگری در سطح جهانی بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد دلار است. در بسیاری گزارش سازمان جهانی گردشگری (UNWTO) از کشورهای صنعت مسافرت و گشت به صورت منبع اصلی ایجاد کار درآمده و جمعیتی بالغ بر ۱۰۰ میلیون نفر را در سطح جهانی به اشتغال واداشته است.

از لحاظ اقتصادی، سهم گردشگری در تولید ناخالص داخلی کشورمان ۳/۴ درصد، در اشتغال زایی در حدود ۵۴۱۰۰۰ شغل مستقیم و غیر مستقیم و در صادرات غیر نفتی در حدود ۱۴ درصد برآورد شده است. این وضعیت بیانگر ضعف عمومی این بخش از نظر مدیریت، تبلیغات، ساختار حقوقی و نیز ارتباط ضعیف آن با ساختار منابع کشور است.

استفاده صحیح از پتانسیل ها و ظرفیت های جهانگردی ایران می تواند سودی معادل دو برابر ذخایر نفتی را به کشور سر از زیر کند. آمارها نشان می دهد که بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ دلار از درآمد کشورها تا سال ۲۰۰۵ از صنعت جهانگردی تامین می شود که متأسفانه علیرغم جایگاه تاریخی و ویژگی های طبیعی ایران، کشورمان در این کسب درآمد جایگاهی ندارد.

اگرما با توجه به مزایای صنعت جهانگردی و تاثیر اقتصادی توسعه این صنعت در درآمد و اشتغال زایی بتوانیم تنها به ۳۰ درصد از درآمد صنعت جهانگردی جهان دست پیدا کنیم، می توانیم سالانه سودی دو برابر ذخایر نفتی را به کشور وارد کنیم. نگاه اقتصادی به صنعت جهانگردی می تواند تمامی جوانب فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ... آن را نیز دربرگیرد، چراکه لازمه توسعه این صنعت و چرخه اقتصادی آن در درجه اول مهیا کردن بسترها در ابعاد دیگر آن است.

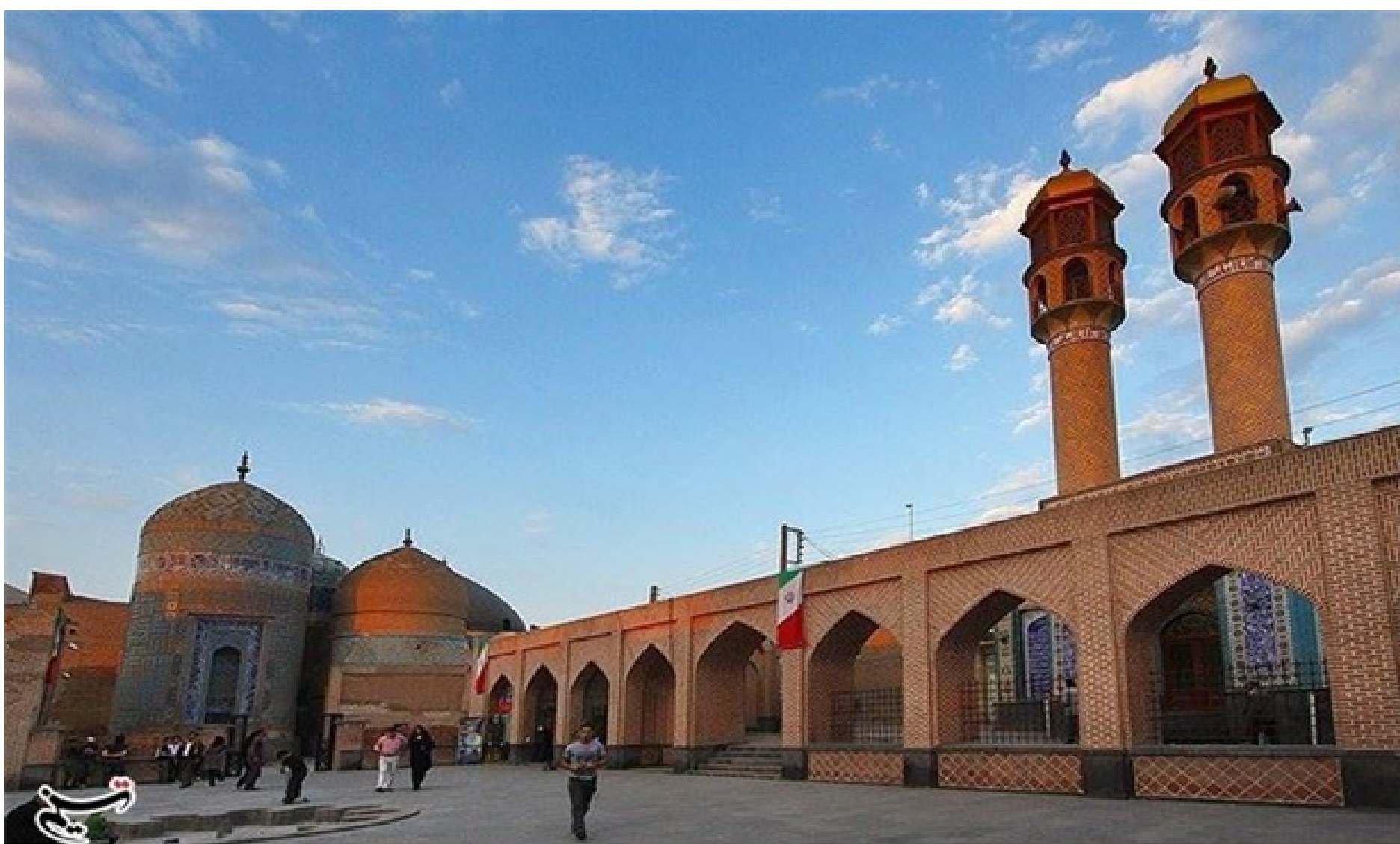
قراردادن جهانگردی در اولویت های اقتصادی کشور تمامی ابعاد علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را پوشش می دهد و حتی برگزاری انواع تورهای علمی، ادبی، هنری را با مزیت های خاص خود و به ویژه منافع اقتصادی در کشور بهینه می کند.





برای توسعه جهانگردی کشورمان و قرار گرفتن در ردیف یکی از قطب های جهانگردی منطقه و جهان در مرحله نخست باید نگاه دولت و مردم را به این صنعت تغییر داد و سپس برای تامین امکانات وزیر ساخت ها و همچنین پیاده سازی یک الگوی موفق جهانگردی در کشور گام برداشت. در صنعت جهانگردی دنیا هر روز تحولات جدیدی رخ می دهد که با وجود روند ضعیف این صنعت در کشور ما میزان عقب ماندن ما در ایران بخش افزایش می یابد. همچنین با قرار دادن جهانگردی در ردیف کالاهای صادراتی غیر نفتی و توجه به این صنعت در برنامه ریزی و سیاستگذاری های کلان اقتصادی می توانیم به کسب درآمد اقتصادی از جهانگردی امیدوار باشیم.

با توسعه فعالیت های جهانگردی زمینه برای ایجاد اشتغال فراهم می شود و این امر برای کشورهای که با جمعیت جوان و متقاضی روبه رو هستند بسیار مفید است.



منابع:

- 1- <http://unwto.org/>
- 2- <http://www.ichto.ir>



اقتصاد رفتاری

رقیه قلی زاده



دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد-گرایش توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

اگر کمی به تعریف علم اقتصاد توجه کنیم، درمی یابیم که از پایه ای ترین چالش های موجود، مسئله «انتخاب» است. این انتخاب ریشه در تصمیم گیری های افراد دارد. در تئوری های اقتصاد کلاسیک، تصمیم گیری بر اساس معیارهای معینی انجام می شود که یکی از اصلی ترین معیارها، عقلایی بودن فرد است. حال اگر بخواهیم کمی از علم اقتصاد فاصله بگیریم و به علم روانشناسی (علم مطالعه رفتارها و فرایندهای ذهن انسان) نزدیک شویم، درمی یابیم که درک فرد از محیط پیرامون می تواند با خطا همراه باشد. به طور مثال زمانی که فرد ترجیحات خاصی دارد موجب می شود تصمیمات نادرستی بگیرد، و یا ممکن است به اطلاعات به دست آمده از محیط اطراف اعتماد بیش از حد داشته باشد. در این شرایط فرد نمی تواند عقلایی تصمیم بگیرد، که این موضوع خلاف فرضیه عقلایی بودن فرد در اقتصاد کلاسیک است و همین امر موجب خواهد شد که بسیاری از نظریه ها تغییر کنند و نقدهای فراوانی به آن ها وارد شود.

در دهه های ۱۹۴۰-۱۹۵۰ اقتصاددانان سعی داشتند پدیده های اقتصادی را با فرض آنکه انسان هادشرایط متفاوت عملکردها و تصمیمات متفاوتی خواهند داشت که ممکن است عقلایی نباشد. به همین علت در طی این سال ها جدایی اقتصاد و روانش شناسی پایدار ماند.

در حال حاضر روان شناسی دیگر تنها به ابعاد ماورا ذهن انسان نمی پردازد، بلکه به مطالعه درباره ذهن و فرآیندهای متفاوت شناخت محیط و تصمیم گیری نیز اهمیت ویژه ای می دهد. همین مسئله میتواند پلی باشد برای ارتباط اقتصاد و روان شناسی. یکی از شاخه های روانشناسی که به مطالعه ذهن، نحوه کسب اطلاعات افراد و نمایش آن در محیط پیرامون می پردازد، روان شناسی شناختی است.

در علم اقتصاد به وسیله ی روان شناسی شناختی می توان با فرایند شناخت و تصمیم گیری افراد آشنا شد و خطاها و سوء گیری هایی که به طور معمول در این فرایند اتفاق می افتند را شناخت. این امر باعث می شود که دید واقع گرایانه ای به عملکرد انسان در موقعیت های متفاوت به دست بیاید.

از ادغام علم اقتصاد و روان شناسی شناختی، شاخه ای از علوم بین رشته ای به نام اقتصاد رفتاری (مالی رفتاری) به وجود می یابد که به تعدیل فروض غیر واقعی تئوری های اقتصاد نئوکلاسیک با دستاورد های روان شناسی شناختی می پردازد. در ۵۰ سال اخیر توجه به مسائل روان شناسی در اقتصاد پیشرفت چشمگیری داشته است. اما لازم به ذکر است که در سال های قبل از دهه ۲۰ میلادی نیز اقتصاددانان از روانشناسی در نظریات خود بهره مند می شدند، اما در قرن ۲۰ م با شکل گیری دو جریان متفاوت روش تحقیق، اقتصاد و روان شناسی از یکدیگر جدا شدند.

یکی از عوامل جدایی اقتصاد و روان شناسی مربوط به نظریه پردازانی است که سعی داشتند اقتصاد را در قالب ریاضیات مدل سازی کنند. در حالیکه روان شناسان سعی داشتند تا نظریات خود را بر پایه مشاهدات حسی بیان کنند. در واقع آن ها انسان و ابعاد حسی را محور نظریات اقتصادی بر پایه ریاضیات و فرمول های متفاوت شکل گرفته بود که همین تفاوت در بیان نظریات باعث جدایی اقتصاد و روان شناسی شده است.

منابع:

۱- مبانی اقتصاد و مالی رفتاری، علی سعیدی، سید محمد جواد فرهانیان، انتشارات

بورس، چاپ دوم، ۱۳۹۴

Prospect theory: an Analysis of Decision making under Risk", Kahneman, D. and A. Tversky (1979), Econometrica



معرفی اقتصاد رفتاری تیلر

مهدی غلامی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد-گرایش اقتصاد انرژی



ریچارد تیلر زاده ی ۱۲ سپتامبر ۱۹۴۵ استاد و پژوهشگر اقتصادی اهل ایالات متحده آمریکا است و همچنین پروفیسور و استاد علوم رفتاری و اقتصاد در دانشکده بازرگانی دانشگاه شیکاگو است. ریچارد تیلر در اورنج شرقی نیوجرسی متولد شد. مادر او معلم بود، و پدرش آلن در حساب ارزیابی مالی در نیوآرک نیوجرسی بود. خانواده ریچارد یهودی است او همچنین دو برادر کوچکتر دارد. او از آکادمی نیوآرک فارق التحصیل شد. سپس از دانشگاه کیس و سترن رزرو در سال ۱۹۶۷ فارق التحصیل شد. و مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۹۷۰ و دکترای خود را در سال ۱۹۷۴ از دانشگاه راجستر دریافت کرد. پس از اتمام تحصیلاتش به عنوان استاد دانشگاه راجستر مشغول به کار شد. از سال ۱۹۹۵-۱۹۷۸ او عضو هیئت علمی دانشکده جی.اس. جانسون در دانشگاه کرنل بود و سپس در مدرسه بازرگانی بوت دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۹۵ عضو هیئت علمی شد. او همچنین از سال ۱۹۹۱ مدیر اجرایی دفتر مطالعات اقتصاد ملی است. [۱]

این آکادمی با دادن جایزه ۱/۱ میلیون دلاری به تیلر گفت: «تحقیقات او بین اقتصاد و روانشناسی تصمیم‌گیری افراد پلی بنا کرده‌است. تحقیقات و یافته‌های او در توسعه سریع رشته علمی که به اقتصاد رفتاری معروف شده نقش تعیین‌کننده ای داشته و روی تحقیقات و سیاست گذاری‌های اقتصادی تأثیر مهمی داشته‌است».

تیلر پس از اعلام نام او به عنوان برنده نوبل اقتصاد گفت: «به نظرم مهم‌ترین جنبه از تأثیرات پژوهش من پذیرش این واقعیت است که انسان‌ها یکی از عوامل مهم در تعیین وضعیت اقتصادی هستند و الگوهای اقتصادی باید این عامل را در نظر بگیرند.» [۴] این اقتصاددان ۷۳ ساله آمریکایی در دانشگاه شیکاگو در حال تدریس است. در کتاب های سقلمه و کژرفتاری تیلر می توان نحوه تصمیم گیری های غیر منطقی و غیر عقلایی، را نشان داد. البته نمی توان تعبیر غیر منطقی را برای چنین تصمیم گیری هایی بکار برد، بلکه منظور تصمیم گیری هایی است که از منظر و منطق یک انسان اقتصادی طبق تعاریف معمول اقتصادی، که فرد اقتصادی را انسانی می داند که به دنبال حداکثر شدن سودش در تولید و حداکثر شدن مطلوبیتش در مصرف است، به دور است. و خود تیلر هم به این نکته واقف است که باید رفتارهای انسان را مشاهده و بررسی کرد و نه رفتار انسان اقتصادی را. او در کارهایش نشان داد که برخلاف پیش فرض هایی که اساس رفتارهای اقتصادی مردم را تصمیم های عقلانی بر اساس منفعت فردی می داند، مردم تحت تاثیر کمبود آگاهی و اطلاعات، ناتوانی در کنترل رفتار های شخصی و همچنین ملاحظات اجتماعی تصمیم می گیرند.

تیلر را از نظر قیاس می توان در کنار کسانی مانند دنیل کانمن و آموس تروسکی و آدریان فرنهام قرار داد. نوشته ها و صحبت های دن اریلی هم از نظر زمینه ی فعالیت عموماً در حوزه اقتصاد رفتاری قرار می گیرند. البته باید تاکید کنیم که سهم کسانی مثل دنیل کانمن و ریچارد تیلر و آدریان فرنهام در تولید علم در این حوزه بسیار جدی و بزرگ است و نقش دن اریلی که البته آن هم بسیار مهم است بیشتر از جنس ترویج مطالعات و دیدگاه ها به کمک کتاب ها و مقالات ساده تر و عمومی تر بوده است. اگرچه ریچارد تیلر از فعالان و محققان قدیمی حوزه اقتصاد رفتاری است؛ جامعه عمومی در ایران و سایر کشورهای جهان تنها بعد از دریافت جایزه نوبل در سال ۲۰۱۷ نام او را شنیدند و با فعالیت هایش آشنا شدند. [۲]

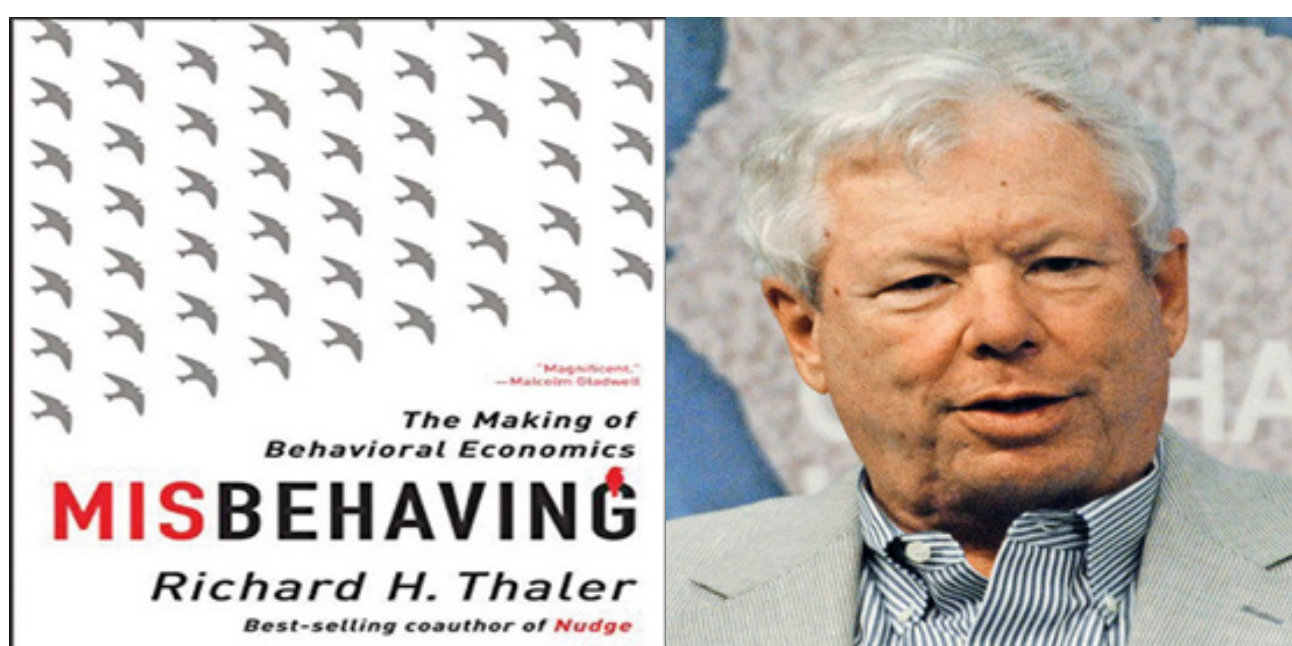
پروفیسور ریچارد تیلر در سال ۲۰۱۷ برنده جایزه آکادمی سلطنتی علوم سوئد (نوبل) شد، آکادمی علوم سلطنتی سوئد در مورد این انتخاب تصریح کرد که: «مشارکتهای او باعث ایجاد یک پل بین تحلیل‌های اقتصادی و روانشناختی تصمیم‌گیری فردی شده‌است. همچنین یافته‌های تجربی و دیدگاه‌های نظری او در ایجاد زمینه جدید و سریع در حال رشد اقتصاد رفتاری علت برگزیدن وی برای این جایزه است.» [۳] این آکادمی او را یکی از کسانی دانست که کارهایش باعث شده در سال های اخیر اقتصاد رفتاری از یک شاخه حاشیه ای و حتی بحث بر انگیز به یکی از مباحث اصلی علم اقتصاد بدل شود.



برای جلوگیری از این ((کژرفتاری)) ها او استدلال می کند که با ((سقلمه)) ای به مردم می توان آن ها را به خوش رفتاری اقتصادی سوق داد. مثلاً می توان مردم را تشویق کرد که برنامه ریزی های دراز مدت بیشتری داشته باشند و به عنوان مثال برای باز نشستگی بیشتر پس انداز کنند.

به عقیده کمیته نوبل سقلمه اصطلاحی است که ریچارد تیلر ابداع کرده است ممکن است به مردم کمک کند که کنترل بیشتری بر تصمیم های خود داشته باشند.

هم اکنون هردو کتاب «کژرفتاری» و «سقلمه» در ایران ترجمه شده اند و در دسترس علاقه مندان به اقتصاد رفتاری است. کتاب «کژرفتاری»، را سید امیرحسین میرابوطالبی و بهنام شهنائی به صورت جداگانه ترجمه کرده اند. و کتاب دیگر نیز با نام «تلنگر: بهسازی تصمیم ها درباره سلامت و ثروت و سعادت» است که آرش طهماسبی که ترجمه آن را انجام داده است همچنین ترجمه های دیگری از این کتاب با نام های «سقلمه: بهبود تصمیمات درباره ی تندرستی، ثروت و خوشبختی ترجمه مهدی مدآبادی» و «سقلمه: بهبود تصمیم ها پیرامون سلامتی، ثروت و شادی ترجمه مهدی حبیب الهی و دیگران» انجام گرفته است. لازم به ذکر است که بعضی از این کتاب ها در فضای مجازی به صورت pdf نیز در دسترس علاقه مندان به علوم رفتاری قرار گرفته است. در کتاب تلنگر تاثیر سازمان ها را بر رفتار افراد و بهتر کردن تصمیم های روزانه شان بررسی می کند. جان مایه نظریات تیلر که جایزه نوبل اقتصاد را نصیب او کرد در همین دو کتاب آمده است و نوشته های دیگر مولف، شرح و بسط این دو کتاب به شمار می رود.



منابع

1. <https://www.wikimediafoundation.org/>
2. <http://motamem.org/profile/8099>
3. Pollard, Niklas; Ringstrom, Anna (October 9, 2017). «We're all human: «Nudge» theorist Thaler wins economics Nobel». Reuters. Retrieved October 11, 2017.
4. <https://www.radiofarda.com/a/Nudge-theorist-Richard-Thaler-wins-Nobel-economics-prize/28783096.html>



برشی از کتاب کثرتاری

مهدی غلامی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد-گرایش اقتصاد انرژی



اوایل دوران تدریس شرایطی پیش آمده بود که بیشتر دانشجویانم در کلاس اقتصاد خرد ناراضی بودند و البته این ناراضی بودن به آنچه من در کلاس می‌گفتم ربطی نداشت. مشکل از امتحان میان ترمی بود که هرترم از دانشجویان می‌گرفتم. آزمونی ۱۰۰ نمره‌ای طراحی کرده بودم که تمایز میان سه گروه کلی از دانشجویان را مشخص می‌کرد: ستاره‌هایی که واقعا به همه مطالب مسلط بودند، گروه میانی‌ای که مفاهیم پایه‌ای را فهمیده بودند و گروه پایین که چیزی از مطالب نفهمیده بودند. چنین آزمونی حتما باید سوالاتی می‌داشت که فقط دانشجویان ممتاز از پس آن برمی‌آمدند و این به آن معنی است که آن آزمون تا حدودی سخت بود. آزمون در برآورده کردن هدف من موفق بود و پراکندگی گسترده‌ای در نمرات مشاهده می‌شد. اما زمانی که دانشجویان نمره‌هایشان را گرفتند، شروع به همه‌همه و اعتراض کردند. شکایت اصلی آنها این بود که میانگین نمرات ۷۲ شده بود.

آنچه در مورد این عکس‌العمل عجیب به نظر می‌رسید این بود که میانگین آزمون هیچ ارتباطی با توزیع نمره‌ها نداشت اما دانشجویان از آزمون‌های من متنفر بودند و از خود من هم دل خوشی نداشتند. به عنوان استاد جوانی که نگران حفظ شغلش بود، باید کاری می‌کردم، اما در عین حال نمی‌خواستم آزمون‌هایم را نیز ساده‌تر کنم. تکلیف چه بود؟ در نهایت ایده‌ای به ذهنم خطور کرد. در امتحان بعدی مجموع نمرات را به جای ۱۰۰ نمره، ۱۳۷ نمره قرار دادم. این امتحان کمی از قبلی‌ها سخت‌تر بود و دانشجویان به‌طور میانگین به ۷۰ درصد سوالات درست پاسخ داده بودند. اما نکته این بود که ۷۰ درصد ۱۳۷ برابر بود با ۹۶ که نمره‌ای است که به دل دانشجویان می‌نشیند. دانشجویان کاملا راضی و خوشحال بودند. در حقیقت با این تغییر، نمره حقیقی هیچ‌کس تغییری نکرده بود، اما همه راضی شده بودند. از آن به بعد هر وقت که این درس را تدریس می‌کردم، امتحانم را از مجموع ۱۳۷ نمره برگزار می‌کردم. انتخاب این عدد دو دلیل داشت. اول اینکه میانگین بین ۹۰ تا ۱۰۰ می‌شد و حتی بعضی از دانشجویان نمره بالای ۱۰۰ می‌گرفتند. هیجان کسانی که بالای ۱۰۰ می‌گرفتند شبیه کسانی بود که قرص روانگردان مصرف کرده بودند!! دوم اینکه از آنجا که تقسیم نمره‌ها بر ۱۳۷ کار آسانی نبود بیشتر دانشجویان زحمت این را به خود نمی‌دادند که نمره‌هایشان را به درصد تبدیل کنند. از نظر اقتصاددانان، دانشجویان من در این مورد مرتکب «کثرتاری» شده بودند. منظورم از کثرتاری این است که رفتارشان با مدل‌های رفتاری ایده‌آل‌گرایی که تار و پود چیزی را تشکیل می‌دهند و ما آن را نظریه اقتصادی می‌نامیم، در تناقض است. از نظر یک اقتصاددان هیچ‌کس به خاطر اینکه از ۱۳۷ نمره ۹۶ گرفته (۷۰ درصد) نباید خوشحال‌تر از این شود که از ۱۰۰ نمره ۷۲ گرفته است. اما دانشجویان من این طور بودند و من با درک این موضوع توانستم هم امتحانی را که می‌خواستم برگزار کنم و هم جلوی غر زدن‌های مدام دانشجویانم را بگیرم. [۵]

و ...

منبع

۵. تالر. ریچارد اچ، ۲۰۱۵، کثرتاری داستان شکل‌گیری اقتصاد رفتاری، سید امیر حسین ابوطالبی، تهران؛ انتشارات دینای اقتصاد



نظریه نوسازی

مهدی غلامی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد-گرایش اقتصاد انرژی



طرح مفهوم نوسازی

اصطلاح لاتین ((مدرنیزاسیون)) در ادبیات فارسی معادل هایی همچون نوسازی، مدرن شدن، امروزی‌ن شدن، متجدد شدن، نوین گری، نوین سازی و... پیدا کرده است. این مفهوم از کلمه ((مد)) به معنی همین الان یا هم اکنون گرفته شده است و بعد از جنگ جهانی دوم در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان رویکردی غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شد. اقتصاددانان پیشنهاد شده و به تدریج مدل های ساده توسعه که بر مسائلی چون چگونگی به وجود آوردن رشد سریع اقتصادی و تشکیل سرمایه متمرکز بود پرداختند. مدل هایشان بر مبنای تجربه کشورهای غربی ترسیم شده بود. ولی در مواجهه با تفاوت ها و پیچیدگی های جوامع جهان سوم به سرعت متوجه تنگناهای آنها شدند. چنین وضعیتی همکاری های بین رشته ای با جامعه شناسان، علمای سیاسی، مدیران و دیگر دانشمندان اجتماعی را ضروری ساخت و الگوی نوسازی که عمدتاً رویکردی امریکایی بود، ویژگی روشنفکرانه کل علوم اجتماعی شد. ایالات متحده رهبری دنیای آزاد را بر عهده گرفت و در مقابل قدرت کمونیست ایستاد، و برای نجات جهان از وحشت کمونیست، تقویت جهانی که مطابق با منافع سیاسی و اقتصادی ایالات متحده اداره شود، ضرورت پیدا کرد. فعالیت های دانشگاهی به آنها کمک کرد تا نسبت به آنچه که در جهان سوم اتفاق می افتد آگاهی یابند و در مورد اینکه چگونه میتوان این کشورها را ترغیب و اغوا کرد تا در دوران اردوگاه جهان آزاد سرمایه داری باقی بمانند، شناخت لازم را بدست آورند.

از لحاظ نظری رویکرد نوسازی برخاسته از دیدگاه های تطوری و کلاسیک جامعه شناسی است و ریشه های آغازین آن را باید در اندیشه جامعه شناسان کلاسیک جست و جو کرد که تحت عنوان ((گذار)) از دیدگاه کلاسیک های جامعه شناسی بحث شده است؛ زیرا به نوعی تیپ بندی آنها از جوامع در قالب تفکیک جوامع به جامعه سنتی و مدرن وجود دارد، ولی با پیچیدگی و جزئیات بیشتر، که این ناشی از پیچیده تر شدن اندیشه نظری جامعه شناختی است. در دوران جدید، نظریه نوسازی در قالب مکتب غالب در جامعه شناسی یعنی مکتب ساختی _کارکردی مطرح می شود، مکتبی که بر پایه اندیشه جامعه شناسان کلاسیک مثل دورکیم، پارتو، و ماکس وبر بنیانگذاری شده است.

در ادبیات علوم اجتماعی شاهد تعاریف مختلف از نوسازی هستیم و علت نوع تعاریف را باید در واقعیتی چون پیچیدگی و چند بعدی بودن موضوع جست و جو کرد. اندیشمندان علوم اجتماعی هریک بر مبنای زمینه مطالعاتی خود تعریفی از نوسازی ارائه داده اند. گروهی از منظر جامعه شناختی به مفهوم نوسازی توجه کرده اند و گروهی از منظر اقتصادی، برخی از حیث تکنولوژیکی، برخی از لحاظ روانی و افرادی نیز از جنبه سیاسی این مفهوم را مورد مذاقه قرار داده اند. این به این دلیل است که نوسازی فرایند گسترده ای است و ابعاد وسیعی از حیات فردی و اجتماعی انسانها را در بر میگیرد و در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روانی قابل بررسی است. ما در این مقاله به تعریف نوسازی از نظر اقتصادی میپردازیم.

نوسازی اقتصادی با نوسازی صنعتی که طی آن به کارگیری و استفاده از انرژی ماشینی و نظام کارخانه ای جای استفاده از انرژی انسانی و حیوانی را می گیرد، ارتباط پیدا میکند. تا آنجا که گفته شده اقتصاددانان ((نوسازی)) را در درجه اول از نظر کاربرد تکنولوژی توسط انسان برای نظارت بر منابع طبیعی، به منظور فراهم کردن وسایل افزایش بازده سرانه مورد توجه قرار می دهند و در خصوص تحقق آن گفته شده که نوسازی اقتصادی به وجود محیط قانونی و حکومتی رضایت بخش و همچنین با بازار آزاد و گسترش یابنده ای برای محصولات خویش، همراه با تحرک شغلی و تنوع جغرافیایی کافی که بتواند همواره نیروی کار را با تغییرات عرضه و تقاضا مطابقت دهد، نیاز دارد. تعدادی از پایه هایی که نوسازی اقتصادی بر آنها تکیه دارد و از اهمیت بیشتری برخوردارند عبارت اند از:

a. مقدار سرمایه ثابت، همواره باید با نرخ کافی در حال افزایش باشد.

b. باید برای توسعه علم و کاربرد آن و نیز کاربرد دانشی که به ملت های بسیاری برای توسعه کمک کرده است، سرمایه گذاری کافی شود.

c. آموزش و پرورش و کیفیت جمعیت باید پا به پای نیازمندی های متغیر صنعتی و شغلی که عمدتاً در نتیجه پیشرفت های فنی به وجود می آید پیش رود.

d. عرضه مواد غذایی و مواد خام نیز باید به قدر کافی وجود داشته باشد.

e. بالاخره به سیستم انعطاف پذیری از قیمت ها نیاز است که اطلاعات مربوط به وضع هزینه، عرضه و تقاضا را در خود جمع کرده و از آن خبر بدهد و بدین ترتیب استفاده از منابع ملی در حد رشد مطلوب را نسبتاً سهل کند. (وینر، ۱۳۵۴: ۲۲۶)

در مجموع نوسازی اقتصادی در گرو تشکیل سرمایه، دستاوردهای فنی و علمی، آموزش و پرورش مناسب و کارآمد و برخورداری از مواد خام و انعطاف پذیری نظام بازار است.

دیدگاه نوسازی در ادبیات توسعه و علوم اجتماعی به دلیل اینکه برخاسته از دیدگاه گسترده و غالبی چون دیدگاه ساختی _ کارکردی بوده است و طیف وسیعی از اندیشمندان این حوزه را به خود مشغول کرده است، از گستردگی و وسعت بالایی برخوردار است.

دو نظریه اقتصادی در مورد نوسازی اقتصادی مطرح می باشد :

a. شومپیتر

b. روستو

که ما این مقاله را با طرح اندیشه شومپیتر در حوزه نوسازی اقتصادی جمع بندی میکنیم.

در میان اقتصاددانان توسعه شومپیتر اقتصاددانی است که بر تاثیر ابعاد، اجتماعی و روانی در تحقق نوسازی و توسعه تاکید دارد، و به طور خلاصه بحث شومپیتر را می توانیم در سه زمینه مورد توجه قرار دهیم:

۱) روحیه کارفرمایی

۲) پیشرفت روش های فنی تولید

۳) فضا و جو اجتماعی

۱. آنتروپورن در دیدگاه شومپیتر نیروی محرکه و معمار توسعه به شمار می رود، در آغاز روند توسعه اقتصادی، آنتروپورن شیوه معمول و جاری فعالیت اقتصادی را درهم می شکند و فضای جدیدی را پدید می آورد، فضایی که موانع عدم تحرک و ایستایی را از سر راه برمی دارد و مساعد تحولات اقتصادی و نوسازی اقتصادی است، شومپیتر با ارائه روشی نو در تحلیل فرایند توسعه اقتصادی توانست نقطه عطفی در تکامل نظریه های توسعه به وجود آورد.

او سعی داشت علل ایستایی و سکون را بازشناسد و عوامل خروج از سکون و استمرار حرکتی پویا را در مسیر توسعه با اتکا بر تفکر علمی و روش های نوین مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. عامل این اختلاف، فقط ابداع و نوآوری است. دور باطل باید توسط نوآوران و مدیران مبتکر شکسته شود.

۲. تولید به معنی ترکیب مواد و نیروهای در دسترس است. اگر اشیایی متفاوت از اشیاء قبلی یا همان اشیاء با روشی متفاوت تولید شوند به طوری که این مواد و نیروها به طریقی مجزا و متفاوت از روش قبلی ترکیب شوند، ترکیبی جدید حاصل می شود. با در نظر گرفتن این مفهوم، توسعه را به دست آوردن « ترکیبات جدید » تعریف می کنیم. مفهوم فوق پنج مورد را شامل می شود:

• تولید و عرضه کالای جدید.

• معرفی روشی جدید در تولید.

• دست یابی به بازار جدید

• دست یابی به منابع جدید.

• سازماندهی و مدیریت جدید.

۳. این گونه انسان ها البته، در هر جامعه ای وجود دارند، لیکن زمینه اجتماعی ظهور آن ها باید فراهم شود. به انسان آرمان گرا و صاحب اندیشه باید امکان ظهور و تکامل خلاقیت و نوآوری داده شود. نکته قابل توجه این که برای آغاز حرکت لازم نیست نوآور، خود صاحب ثروت باشد بلکه داشتن خصلت و ویژگی ها و شرایط مناسب برای آغاز حرکت کافی است و تأمین مالی فعالیت های جدید اقتصادی از طریق اعتباراتی انجام می شود که بسیار فراتر از حجم و میزان پس اندازهای موجود در جامعه است.

منابع:

ازکیا مصطفی، غفاری غلامرضا (۱۳۸۴)، جامعه شناسی توسعه، - [ویراست ۲، با تجدید نظر، اصلاحات و

اضافات کلی]، تهران کیهان.

وینر، مایرون (۱۳۵۴) نوسازی جامعه، ترجمه مقدم مراغه ای، تهران، فرانکلین



پولشویی

شهلا موسوی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد - گرایش اقتصاد انرژی



استانداردهای بین المللی مبارزه با پول شویی و تامین مالی تروریسم

بحران های مالی، چالش های فراوانی را برای کشورهای مختلف در پی داشته است. این بحران موجب شد تا نیاز به افزایش شفافیت و اعتماد به سیستم های مالی کشورها بیش از پیش اهمیت یابد. ازین رو، برخورداری از سازکارهای نظارتی قوی برای مبارزه با پول شویی، تامین مالی تروریسم، نه تنها برای حفظ اعتماد به سیستم مالی، بلکه برای اطمینان ازین که بودجه عمومی تخصیص داده شده برای مقابله با بحران مالی مورد سواستفاده قرار نگیرد، بسیار با اهمیت است. واژه پول شویی

فرایندی را ترسیم میکند که در خلال آن، پول کثیف و در واقع پول حاصل از عمل یا اعمال مجرمانه تطهیر میشود به گونه ای که به پول به ظاهر مشروع و بدون هیچ اثری از جرم منشا تبدیل میشود. ورود این واژه به ادبیات حقوقی و نیز قانون گذاری در زمینه مبارزه با پولشویی، حدودا به بیست و هفت سال پیش برمیگردد. لاکن اکنون اغلب کشورهای جهان قوانینی دارند که به موجب آن عمل پول شویی، به صراحت جرم انگاری شده است. پول شویی جرم مهمی است که مجموعه اقتصاد را تحت تاثیر قرار میدهد و مانع توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع در تمام جهان میشود. در دهه های اخیر، جهانی شدن به همراه رشد اقتصاد های زیر زمینی فرامرزی محرک فعالیت های غیر قانونی بوده است فعالیت مجرمانه مانند تجارت انسان و فحشا، قاچاق مهاجران، تجارت اعضای بدن انسان، تجارت اسلحه گرم و قاچاق، سود های کلانی را خلق کرده که افزایش تقاضا برای پولشویی را به دنبال داشته است. مبارزه با پول شویی شامل پیش گیری از بکارگیری عواید حاصل از فعالیت های مجرمانه و فراهم کردن ابزار هایی برای شناسایی جرم پس از ارتکاب به آن است.

همچنین چارچوب ها و مقررات منطقه ای و بین المللی قابل ملاحظه ای در زمینه مبارزه با پول شویی تدوین شده است که مهمترین آنها عبارتند از: کنوانسیون وین (۱۹۸۸)، کنوانسیون استراسبورگ (۱۹۹۰)، توصیه های چهار گانه گروه ویژه اقدام مالی (۱۹۹۰) و اصلاحیه ها و متمم های آن (۱۹۹۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴)، دستور العمل های سه گانه اتحادیه اروپا (۲۰۰۵، ۲۰۰۱، ۱۹۹۱)، کنوانسیون سرکوب تامین مالی تروریسم (۱۹۹۹) و کنوانسیون پالمو (۲۰۰۰). به موازات تدوین این اسناد که در واقع سنگ بنای قواعد و هنجار های جاری کنونی اعم از ملی و بین الملل را تشکیل داده اند یک سری نهاد های منطقه ای و بین المللی نیز به وجود آمده اند که در زمینه مبارزه با پول شویی فعالیت های گسترده ای انجام میدهند. گروه ویژه اقدام مالی (FATF) یکی از مهمترین نهاد های پیشرو به شمار می رود که از سال ۱۹۸۹ تاکنون به صورت تخصصی در این حوزه فعالیت میکنند.

گروه مزبور یک سازمان بین دولتی است که به ابتکار کشور های عضو گروه جی ۷ تشکیل شد تا بررسی ها بی در باره وضعیت قوانین مبارزه با پول شویی در بازار های مختلف مالی در سراسر جهان انجام دهند و نتیجه آن را در جلسات هر چهار ماه یکبار خود را به اطلاع کشورهای عضو برسانند تا این کشورها بتوانند ریسک سرمایه گزاران در بازار های مالی هدف را بررسی و در مورد سرمایه گزاران که به کشور مشکوک می روند احتیاط کنند. مقرر مبارزه با پول شویی شامل قوانینی است که اشخاص و شرکت ها را موظف میکند در مورد نحوه کسب درامدشان به دولت توضیح بدهند ازین راه پول هایی که از راههای نامشروع مانند قاچاق، رشوه و تخلف های مالی بدست آمده است برای ورود به بازار مالی با دشواری های بیشتری روبه رو میشوند و سلامت نظام مالی و اقتصادی قابل تضمین تر خواهد بود. در سال ۲۰۰۱ بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر برج های مرکز تجارت جهانی در نیویورک، یک وظیفه دیگر نیز به

عهده کارشناسان سازمان گذاشته شد و آن اینکه بازار های هدف برای سرمایه گذاری را از نظر وجود امکان تامین مالی تروریسم بررسی کنند. به طور کلی مهمترین اقدام و ابتکار گروه ویژه مالی را باید در تدوین و ارائه توصیه هایی در زمینه مبارزه با پول شویی و تامین مالی تروریسم خلاصه کرد که تاکنون، در چند مرحله منتشر، اصلاح یا تکمیل شده است. نسخه ای که در سال ۲۰۱۲ تکمیل شد مشتمل بر چهار توصیه است که در قالب هفت عنوان کلی بیان شده است. توصیه های گروه ویژه، چار چوبی جامع و منسجم متشکل از مجموعه ای از تدابیری را به وجود آورده است که کشور ها باید برای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم و نیز تامین مالی اشاعه سلاح های کشتار جمعی فیه اجرا بگذارند. عنوان اول به سیاست ها و هماهنگی ها در زمینه مبارزه با پولشویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم اختصاص دارد. عنوان دوم پول شویی و مصادره است. سوم، تامین مالی تروریسم و



از همان ابتدا بحث بر سر تصویب لوایح مرتبط با FATF بالا گرفت. کنوانسیون بین المللی مقابله با تامین مالی تروریسم که مخفف آن میشود CFT قرار دادی است بین المللی ایران برای اینکه از لیست گروه FATF خارج شود باید در کنوانسیون CFT عضو شود یکی از جدی ترین نگرانی ها در این باره اختلاف قرائت ها بر سر پدیده تروریسم و مصادیق آن بود مخالفان تصویب CFT اعتقاد دارند که چنان چه این لایحه را تصویب کنیم با دست خودمان گروه های جهادی مثل حزب الله و جهاد اسلامی و حماس... را تروریسم تلقی خواهیم کرد و یک سوال مهم در خصوص پیوستن یا نپوستن به FATF این است که آیا در نتیجه همکاری ایران در اجرای استاندارد های گروه ویژه اقدام مالی اطلاعات بانکی افراد و نهاد های ایرانی در اختیار طرف های خارجی قرار میگیرند؟ برخی معتقدند پس از توافق هسته ای و دوری چندین ساله بانک های کشور از سیستم بین المللی، برای بازگشت به این عرصه رعایت استاندارد های مد نظر FATF جز اصول اولیه است. اما برخی از افراد و جناح های سیاسی با پیوستن به این سیستم به بهانه افشای اطلاعات محرمانه مالی کشور مخالفند. متأسفانه شرایط تصمیم گیری بسیار سخت شده و فرصت بسیار کوتاه است. از همین روست که به نظر میرسد رهبری مانند سند ۲۰۳۰ که مشخصاً به پای عدم اجرای آن ایستاد، درمورد این قوانین نمی ایستد. برجام زمانی اجرا شد که رهبری، مجلس و دولت همکاری کردند. امروز هم فقط راه حل همین همکاری است، ولاغیر.

تامین مالی برای اشاعه سلاح های کشتار جمعی است چهارم اقدامات پیشگیرانه پنجم شفافیت و مالکیت ذینفعانه اشخاص و ترتیبات حقوقی ششم اختیارات و مسئولیت های مراجع ذیصلاح و سایر تدابیر سازمانی هفتم همکاری های بین المللی.

از سال ۲۰۰۰ گروه ویژه اقدام مالی در گزارش سالانه اش یک لیست سیاه از کشورهایی که با معیار های این نهاد، پرخطر ترین کشور برای سرمایه گذاری هستند را قرار داده بود. این لیست سیاه همان لیستی بود که از طرف سازمان های همکاری های اقتصادی و توسعه ای منتشر می شد. عنوان آن هم کشور ها و قدرت های مناسب برای همکاری است. این لیست شامل کشور هایی که از نظر کارشناسان این سازمان، در مبارزه جهانی علیه پول شویی و تامین مالی تروریسم همکاری نمیکنند. در سال ۲۰۰۹ برای اولین بار نام ایران کنار پاکستان و ازبکستان و ترکمنستان وارد لیست سیاه شد. این به این معناست که گروه ویژه اقدام مالی به دیگر اعضای خود هشدار میدهد که با ایران رابطه تجاری نداشته باشند در غیر این صورت رتبه آن ها در FATF کاهش پیدا میکند.

در فوریه سال ۲۰۱۶ گزارش گروه در مورد وضعیت کاهش ریسک تامین مالی تروریسم ایران، نگران کننده بود و این سازمان ایران را یک تهدید جدی علیه یکپارچگی سیستم مالی بین المللی متهم کرد که نیازمند اقدام مقابله از طرف دیگر اعضا بود. با اینکه ایران اقداماتی انجام داد ولی FATF تنها وضعیت ایران را به صورت معلق در آورد. این گروه در گزارش خود مشخص کرد که تا پیاده سازی کامل توصیه ها ایران رادر وضعیت معلق نگاه میدارد. در گزارش سال ۲۰۱۸ نیز که ماه ژوئن اعلام شد FATF از وضعیت اجرای توصیه ها در ایران ناراضی بود و از ایران خواست هر چه زودتر به اجرای کامل آن بپردازد (گروه طبق توصیه ۱۹) (کشورهای دارای ریسک بیشتر) با ایران برخورد خواهد شد. این بدان معناست که نام ایران همچنان کنار کره شمالی در لیست سیاه باقی خواهد ماند.

منابع

۱. پیشگیری از پولشویی و تامین مالی تروریسم راهنمای عملی برای ناظران بانکی، نویسندگان پیتزلارنت چتین و همکاران، ترجمه مریم کشتکار
۲. مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم، ترجمه حلیمه رحمانی
۳. استانداردهای بین المللی مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم، فردوس زارع قاجاری و علی قائم مقامی
۴. FATF چیست و چه سیاست هایی را دنبال می کند، عبدالصمد حسینی
۵. دعوی FATF چیست؟ داوود حشمتی، روزنامه نگار



جهانی شدن و توسعه اقتصادی

سعید ساسانیان

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد-گرایش توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی



جهانی شدن چیست؟

توسعه و پیشرفت اقتصادی چگونه حاصل می‌شود؟

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم جهانی است که در آن دو قطب توسعه یافتگی و پیشرفت و در حال توسعه و فقر را در دوسو در مقابل هم قرار داده است. توسعه جایگاهی است که تحقق رسیدن به آرزویی شیرین برای دولتها و ملتهاست. بهاء و هزینه‌هایی که توسعه یافتگان پرداخته‌اند و تجاربی که کشورهای در حال توسعه به آن چشم دارند تا از آنها دریافت کنند همواره چالشی است که محققان را بر آن می‌دارد تا با مطالعه و تحقیق در گذشته ملتها و دولتها در پی کسب علل عقب ماندگی راهکارها را نشان دهند. دنیایی واحد و یکپارچه به دور از فقر و گرسنگی و استیصال را برای همه افراد بشر رقم بزنند. سختی‌هایی که پیش روی جوامع است را بیابند و در پی تحقق جامعه آرمانی باشند. نوشتاری که خدمت شما خوانندگان عزیز ارائه می‌گردد جهانی شدن و توسعه اقتصادی و راه‌ها و راهکارهای موجود جهت تحقق این هدف را نشان می‌دهد.

تعریف جهانی شدن

جهانی شدن فرایند کنش متقابل و یکپارچگی مردم، شرکت‌ها و دولتها در سراسر جهان است. جهانی شدن بیشتر یک فرایند یکپارچگی و کنش متقابل اقتصادی است که با جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی پیوند خورده است.

طبق برخی دیدگاه‌های موافق با جهانی شدن، این اتفاق در صورت انسجام می‌تواند سبب گسترش پیوندها و ارتباطات متقابل فراتر از حد دولتها شود و اهمیت محلات و قومیت‌گرایی را به حداقل برساند. یک‌جهانی شدن در حقیقت از پیامدهای نوزایی تمدن صنعتی و انقلاب تکنولوژی و گسترش سرمایه‌داری است که در صورت تحقق دور از فساد و نقص می‌تواند به موجب فرایندهای پیچیده، جوامع مدنی را جایگزین دولت‌شهرهای سنتی کرده و در تعاملی برابر به صورتی متوازن باعث توسعه همگانی گردد.

مندوق بین‌المللی پول جهانی شدن را ادغام وسیع‌تر و عمیق‌تر تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، جهانی شدن را رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر تکنولوژی می‌داند.

ویژگی‌های جهانی شدن

- رشد تجارت جهانی و تنوع معاملات بین‌المللی
- رشد بی‌سابقه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و افزایش جریان سرمایه بین‌المللی
- رشد تجارت پول و سرمایه
- جریان آزادانه خدمات تولیدی
- توسعه صنعت گردشگری
- انتقال سریع و رو به رشد گسترش فناوری
- شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ چند ملیتی
- تشدید گرایش و تمایل کشورها به عضویت در سازمان‌ها و بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای
- مهاجرت نیروی کار در سطح بین‌المللی
- گسترش ارتباطات و رسانه‌ها و فرایندهای تبادل اطلاعات در سراسر نقاط جهان و پدید آمدن دنیای مجازی ارتباطات و اطلاعات [۱]
- ادغام و تبادل شاخصه‌ها و رفتارهای فرهنگی
- تغییر نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها، هنجارها و...
- نازک‌تر شدن پوسته دولتها و ایجاد پیوندهای میان مردمی (یاسر پولایی)

می‌توان جهانی شدن را فرایندی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کمرنگ‌تر و تحرک روزافزون منابع، تکنولوژی، کالا، خدمات و سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها سهل‌تر صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها می‌انجامد.

واژه جهانی شدن نخستین بار برای طرح تحولاتی که در عرصه اقتصادی پدید آمد به کار گرفته شد. پس از آن و بر سیاق مباحث اقتصادی در موضوعات دیگری که دامن گیر ملل متعددی بود، مثل قاچاق مواد مخدر و تروریسم به کار رفت.

متعاقب تحولات شگرفی که در عرصه فناوری و تکنولوژی رخ داد، جریانی ایجاد شد که پیدایش بازار جهانی نخستین پیامد آن بود. در سال‌های پایانی ۱۹۶۰ میلادی تحت تأثیر انقلاب ارتباطات و تقسیم کار جهانی، دامنه جهانی شدن بر کلیه عرصه‌ها و حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دیگر شئون زندگی ملل سرایت نمود و تمام این حوزه‌ها را متأثر از خود ساخت.



تحولات رخ داده در سطح بین‌المللی با ظهور پدیده جهانی شدن

- تغییر تعریف در واژه‌های کلیدی اقتصاد
- جابه جایی تدریجی قدرت از دولت‌های محلی به نهاد‌های بین‌المللی و شرکت‌های فراملیتی
- تغییر نظریه‌های حاکم بر اقتصاد
- تغییر در تقسیم کار جهانی از شیوه‌های خوشه‌ای به خطی
- ظهور امپریالیسم جهانی در چارچوب جهانی سازی اقتصادی

جهانی شدن اقتصاد چیست؟

سازمان تجارت جهانی یکی از سازمانه‌هایی است که بیانگر جهانی شدن اقتصاد در شرایط حاضر می‌باشد. این سازمان از جهانی شدن بازارهای مالی و گسترش آن‌ها و قراردادهای الزام‌آور برای کشورها، جهانی شدن اقتصاد و تجارت آزاد و حرکت گسترده کالا در میان مرزها را به وجود آورده‌است.

با توجه به مفاهیم و تعاریف موجود در خصوص جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد زمانی تحقق پیدا می‌کند که حدود جغرافیایی و حاکمیت ملی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری و تولید و نقل انتقالات مالی کم‌ترین نقش را داشته باشند. در روند جهانی شدن اقتصاد کشورهای دنیا به هم وابسته می‌شوند، موانع گمرکی و تجاری به حداقل ممکن کاهش می‌یابند و نقل و انتقالات مالی بین کشورها هر چه آسانتر صورت می‌گیرد.

به عبارت دیگر، کنترل ملت‌ها و دولت‌ها در نقل و انتقالات مالی و فن‌آوری به شدت کاهش می‌یابد و در بلند مدت حذف می‌گردد. این بلند مدتی است که با توسعه تجارت و تولید و نهایتاً یکپارچه شدن بازار بین‌المللی تحقق می‌یابد.

گسترش و تعمیق وابستگی متقابل بین کشورها و اقتصادهای ملی، یکپارچگی بازارهای ملی و گسترده شدن مبادلات تجاری، مقررات زدایی و از میان برداشته شدن ضوابط حمایت‌گرایانه بازرگانی و ایجاد سازمان جهانی بازرگانی از مهم‌ترین ابعاد اقتصادی

جهانی شدن به شمار می‌رود. این ابعاد از طریق اتحادیه‌های اقتصادی جهانی و فعالیت شرکت‌های بین‌المللی و مؤسسات اقتصادی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شکل می‌گیرد. جهانی شدن، اقتصادهای جهان را چنان به یکدیگر گره می‌زند که بروز حتی یک بحران کوچک می‌تواند به سرعت گریبانگیر سایر کشورهای جهان نیز شود. با بروز پدیده جهانی شدن اقتصاد و از میان برداشته شدن بسیاری از موانع تجاری موجود، زمینه نقل و انتقالات سرمایه و منابع مالی، و قطعاً تقسیم کار بین‌المللی گسترش خواهد یافت که این خود به افزایش کارایی اقتصاد بین‌المللی کمک شایانی خواهد نمود.

پیامدهای جهانی شدن در ارتباط با توسعه:

دیدگاه‌های گوناگون در ارتباط با پیامدهای جهانی شدن وجود دارد.

دیدگاه نخست که به دیدگاه همگرایی موسوم است معتقد است به طور قطع جهانی شدن یک رفاه و توسعه نسبی را برای همه جهانیان به ارمغان خواهد آورد. طرفداران این دیدگاه که به توانایی عوامل اقتصادی در ایجاد رشد و پیشرفت در جوامع در حال توسعه بسیار خوش‌بینانه می‌نگرند و بر این باور هستند که: جهانی شدن اقتصاد ملی از راه گسترش فن‌آوری و انتقال آن به کشورهای در حال توسعه، انتقال سریع منابع مالی و تلاش شرکت‌های فراملیتی برای توسعه مهم بازارهای خود، این دولت‌ها را با چنان قدرتی روبرو خواهد ساخت که به راحتی می‌توانند در برابر تمامی فشارهای سوق داده شده به سوی واگرایی مقاومت کنند و آنها را از میان بردارند. از این رو این دیدگاه ضمن تشویق دولت‌ها به گام برداشتن در مسیر دموکراسی و انتقال قدرت به سوی مقامات محلی، منطقه‌ای بر این نکته تأکید دارد که دولت‌ها باید با انجام اقداماتی همچون خصوصی‌سازی و آزادسازی تجارت، زمینه را برای سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر در کشورهای خود هموار سازند.

نگرش دوم که به رهیافت واگرایی موسوم است در جهت عکس‌نگرش هم‌گرایی قرار دارد. تأکید اساس این رهیافت بر مفهوم نابرابری استوار است.

طرفداران این نظریه اعتقاد دارند که جهانی شدن علاوه بر ایجاد شکاف‌های عمیق اقتصادی میان دویخ‌ش فقیر و غنی جهان در قدرت سیاسی آنان نیز گس‌لهای بزرگی به وجود خواهد آورد.

تحلیل رفتن توان اقتصادی و سیاسی این دولت‌ها در برابر فرآیند قطب‌ساز جهانی شدن موجب شده است که تا کشورها نتوانند قاطعانه به حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود بپردازند و به هر ترتیب جهانی شدن نابرابری‌های موجود بر سر منابع، توانایی‌های قدرت در خلق و یا نقض قوانین حاکم بر عرضه نظام بین‌المللی را تشدید خواهد نمود.

در رهیافت سوم این اعتقاد وجود دارد که جهانی شدن در مناطق و کشورهای مختلف آثار و نتایج متفاوت را در بر دارد و در این میان فرآیند همگرایی توان بالقوه‌ای را برای ایجاد منافع کلان برای کشورهای در حال توسعه را دارد و به قولی جهانی شدن میزان همگرایی منطقه‌ای را افزایش می‌دهد که در حال وصول و تحقق این دستاورد‌ها مستلزم مدیریت کارآمد این فرایند‌ها است و جهانی شدن اقتصاد، تکنولوژی و انتخاب‌های سیاسی باعث توسعه کاربر مفهوم توسعه پایدار متناسب با جهانی شدن شده است. نکته بسیار مهمی که در ارتباط با شاخص‌های جهانی شدن وجود دارد این است که با کشورهای در حال رشد و کشورهای توسعه‌یافته را در یک کاسه می‌ریزد و با آنها برخوردی مشابه دارند. آنچه مسلم است این است که شاخص‌ها جهانی شدن، بسته به نوع ساختار اقتصادی و مرحله توسعه‌ای که هر یک از کشورها در آن قرار دارند باید متفاوت باشد و به راحتی نمی‌توان کشورها را در یک شاخص مورد ارزیابی قرار داد. در این شرایط از این شاخص به سختی می‌توان استنتاجات درست کرد. به همین دلیل استدلال اساسی این است که شاخص‌های موجود جهانی شدن در ادبیات بین‌المللی قادر به حل مساله جهانی شدن ایران نیستند زیرا هم مرحله توسعه ایران به کشورهای مورد مطالعه را یکسان می‌گیرند و هم به دنبال اعمال استانداردهای کشورهای پیشرفته بر کشورهایی شبیه ایران هستند. از این رو شاخص‌سازی به صورت موجه و مقایسه ایران با کشورهایی که دارای یک سطح توسعه باشند (از نظر تشخیص مرحله توسعه) از اهمیت زیادی در تعیین سیاست‌های توسعه از راه جهانی شدن اقتصاد برخوردار است.



ویژگی‌های جهانی شدن در عصر حاضر:

- پنج مشخصه زیر را می‌توان شاخص‌های جهانی شدن امروز دانست:
- ۱- ادغام وسیع و عمیق اقتصادهای ملی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم و جریان‌های دیگر سرمایه.
 - ۲- افزایش فعالیت و سیال شدن بازارهای سرمایه بین‌المللی
 - ۳- شفاف شدن تمایز بین فعالیت‌های تولیدی و خدماتی که در نتیجه اهمیت اطلاعات و ادغام الکترونیکی افراد، بنگاه‌ها و بازارها را افزون کرد.
 - ۴- کامپیوتری (دیجیتالی) شدن اقتصاد و حرکت از تجارت مبادیه تجارت اطلاعات، همراه با حرکت بازارها از فضاهای جغرافیایی به جهان فضایی.
 - ۵- فشردگی زمان فضا، آگاهی هم‌زمان از اتفاقات، روندها و ایده‌های بخش‌های مختلف جهان.

راه‌های تحقق هم‌زمان توسعه و جهانی شدن

آن‌طور که در بیان ویژگی‌های جهانی شدن گذشت، جلسه‌های جهانی شدن در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نمایان است، اما وجهه برتر و ملموس آن در حوزه مسائل اقتصادی است. لذا برای رفع آسیب‌های اقتصادی ناشی از این پدیده راه حل‌های زیر قابل تامل است تا با در نظر گرفتن این راه حل‌ها علاوه بر جهانی شدن، مسیر توسعه نیز به درستی پیموده شود.

الف) به بیان ساده، وقتی کشوری به چرخه تجارت جهانی (WTO) وارد می‌شود باید تعرفه‌های گمرکی خود را کاهش دهد مثلاً اگر امروزه برای وارد کردن یک خودرو، یکصد درصد مالیات بر آن بسته می‌شود (یعنی به همان اندازه قیمت خودرو باید حق گمرک پرداخت) و با ورود WTO ممکن است این مقدار مالیات به اندازه زیادی کاهش یابد. کاهش مالیات به معنای کم شدن درآمد دولت است و کم شدن درآمد دولت، کسری بودجه را به دنبال می‌آورد. وقتی کسری بودجه پیش‌آید برای جبران آن، اگر دولت این کسری بودجه را با چاپ پول جدید خنثی کند، وقتی در مقابل افزایش پول تولید افزایش نیابد به این معناست که پول، بیش از تولید جامعه است و کالاها گران می‌شود و تورم پدید می‌آید. گرانی کالا باعث ورود کالای خارجی و واردات می‌شود. مقداری از خارج می‌شود و در نهایت موازنه تجاری دولت برهم می‌خورد. پس چاپ پول، خود بیماری دیگری به نام تورم و رکود و واردات بی‌رویه را به دنبال دارد. پس بهترین راه، تنظیم مالیات‌ها به گونه‌ای که کسری حاصل از کاهش تعرفه‌های گمرکی جبران شود.

ب) برقراری نظام آموزش‌های ضمن خدمت برای کارگران و تولیدکنندگان؛ زیرا تکنولوژی جدید باعث جابه‌جایی کارگران و بی‌کاری آن‌ها خواهد شد. بنابراین باید همواره آموزش کارگران در دستور کار دولت باشد.

ج) تربیت نیروی ورزیده برای رقابت با کارگران بازارهای جهانی، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها باید فارغ التحصیلان خود را برای فعالیت در شرکت‌ها و موسساتی که در بازار جهانی رقابت می‌کنند آماده نمایند. در غیر این صورت موسسات نمی‌توانند تولیدات خود را با معیارهای جهانی تطبیق دهند.

ابزارهای جهانی شدن

در یک تقسیم‌بندی کلی، ابزارهای جهانی شدن را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد. این ابزارها عبارتند از: تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری خارجی و سایر جریان‌های سرمایه‌بین‌المللی شدن تولید به کمک فعالیت شرکت‌های چند ملیتی و پیشرفت‌های تکنولوژیک و به طور خلاصه به بررسی هریک از این موارد می‌پردازیم:

۱) تجارت بین‌الملل

واضح است که هرچه حجم مبادلات کشورها بیشتر باشد میزان ارتباط و وابستگی میان آن‌ها افزایش یافته و ادغام اقتصادی و جهانی شدن سهل‌تر خواهد شد. براساس نظریه‌های اقتصادی، تجارت آزاد باعث شکل‌گیری تولید در کشورها برپایه مزیت نسبی آنان می‌شود. این امر نیز منجر به تشویق تولید و صادرات کالاها و خدماتی می‌شود که در این کشورها با توجه به منابع و امکانات موجود در کشور با هزینه کمتر تولید می‌شوند و واردات، جایگزین تولیدات داخلی کالاها

و خدماتی می‌شود که در این کشورها با توجه به منابع و امکانات موجود گران‌تر تولید می‌گردند. به عبارت دیگر برقراری تجارت آزاد منجر به شکل‌گیری نظام تولید کشورها برپایه مزیت نسبی شده و به تبع آن از منابع موجود در کشور به نحو کاراتری استفاده خواهد شد. هم‌چنین در توجیه اقتصادی کاهش موانع تجاری می‌توان گفت که اگر کشوری موانع تجاری را کاهش دهد منافع اقتصادی آن نه تنها به طرف‌های تجاریان کشور می‌رسد بلکه خود آن کشور نیز از این کاهش منتفع می‌گردد. چون مصرف‌کنندگان این کشورها به کالاهای ارزان‌تر و بهتر دسترسی پیدا می‌کنند و تولیدکنندگان این کشورها نیز تحت فشار رقابت، کارایی بهتری پیدا خواهند کرد. بنابراین برقراری سیستم تجارت آزاد میان کشورها باعث همبستگی بیشتر و ادغام سریع‌تر اقتصادی کشورها خواهد شد و جهانی شدن را تسهیل می‌کند.

۲) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سایر جریان‌های سرمایه:

درخصوص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز پیامدهای مثبت قابل توجهی از جنبه نظری ذکر شده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قابلیت افزایش تولید کالاها در کشور جذب‌کننده سرمایه را دارد. تحت شرایطی، با ایجاد مازاد در تراز پرداخت‌ها، می‌تواند برنرخ ارز اثر بگذارد (آن را کاهش دهد) هم‌چنین در صورت وضع مالیات بر سود شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک منبع درآمد اضافی برای کشور میزبان خواهد کرد. علاوه بر موارد فوق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) باعث انتقال تکنولوژی و مهارت‌های مدیریتی شده و بازاریابی برای محصولات تولیدی در کشورهای پذیرای سرمایه را آسان‌تر می‌کند. سیال شدن سرمایه و رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث شکوفایی شدن مزیت‌ها در اقصی نقاط دنیا شده و با افزایش وابستگی اقتصادی کشورها، فرآیند جهانی شدن سرعت گرفته است



(۳) بین المللی شدن تولید

یکی از ابزارهای دیگر که در طی دو دهه گذشته موجب ادغام اقتصادی کشورهای جهان گشته وجهانی شدن را سرعت بخشیده است، بین المللی شدن تولید است. در واقع پس از آن که جریان سرمایه میان کشورها شدت پیدا کرد این امکان فراهم شد که عرضه تولیدات در کشورهای مختلف برپایه مزیت رقابتی انجام گیرد. در حقیقت تحت شرایط جدیدی که بر بازارها حاکم شده است دیگر شرط مزیت نسبی؟؟؟؟ به تنهایی بیانگر توان صدور کالاهای یک کشور نمی باشد.

در بین المللی شدن تولید، نقش شرکت های چند ملیتی کلیدی است. این شرکت ها با هدف دستیابی به منابع مورد نیاز و عوامل ارزان قیمت تولید از جمله نیروی کار یا سرمایه و به منظور به حداکثر رساندن سود و برخورداری از مزیت رقابتی، به سوی بازارهای خارجی حرکت کرده و در سایر کشورها سرمایه گذاری می کنند. این عمل شرکت ها با توجه به تخصص های بالای آنها، این امکان را فراهم آورده است تا قطعات مختلف مورد نیاز تولید از جایی که مزیت رقابتی وجود دارد تهیه شوند. نتیجه این امر افزایش همبستگی اقتصادی کشور ها و سرعت بخشیدن به فرآیند جهانی شدن بوده است.

شاخص های توسعه اقتصادی

از جمله شاخص های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه یافتگی می توان این موارد را برشمرد:

• شاخص درآمد سرانه: از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می آید.

– شاخص برابری قدرت خرید: از آن جا که شاخص درآمد سرانه از قیمت های محلی کشورها محاسبه می شود و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می شود.

– شاخص درآمد پایدار: کوشش برای غلبه بر نارسائیهای شاخص درآمد سرانه و با توجه به توسعه پایدار به جای توسعه اقتصادی، منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار شد.

– شاخص های ترکیبی توسعه از اوایل دهه ۱۹۸۰ ، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص های ترکیبی را پیشنهاد دادند.

– شاخص توسعه انسانی : این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسعه سازمان ملل متحد معرفی شد که بر اساس این شاخص ها محاسبه می شود: درآمد سرانه واقعی، امید به زندگی (در بدو تولد) و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سالهای به مدرسه رفتن افراد است).

شاخص های جهانی شدن

حوزه مطالعاتی زیر شاخص ها متغیرها

– اقتصادی: یکپارچگی اقتصادی تجارت

– فردی: ارتباطات فردی توریسم و سفرهای خارج

ترافیک تلفن های بین المللی مبادلات پولی برون

فردی

– تکنولوژی: ارتباطات تکنولوژیکی تعداد کاربران

اینترنت تعداد میزبانان اینترنت سرورهای اینترنتی

– سیاسی: تعهدات سیاسی عضویت در سازمان های

بین المللی تعداد معاهدات بین المللی مبادلات پولی

دولت مشارکت های مالی و انسانی در مأموریت های

حفاظت از صلح سازمان ملل

استراتژیک های توسعه

– جایگزینی واردات: جایگزینی تولیدات داخلی به جای

واردات (درون نگر)

– توسعه صادرات: تشویق صادرات کالایی که کشور

در آن مزیت دارد.

راهبردهای توسعه

۱. راهبرد توسعه به جهت گیری رشد: رشد سریع

تولید ناخالص ملی ← بالا رفتن رفاه اقتصادی سطح

زندگی برای اکثریت جامعه.

۲. راهبرد توسعه با جهت گیری اشتغال: حذف ← افزایش اشتغال و افزایش تولید به بالاترین سطح.

۳. راهبرد توسعه با جهت گیری رفع فقر: اهداف ← بهبود شرایط زندگی جمعیت کشور، افزایش اشتغال مولد در جهت توزیع عادلانه تر درآمد و افزایش تولید کالاهای و خدمات

۴. مهمترین عناصر توسعه اقتصادی: افزایش و بهبود در رشد اقتصادی و درآمد سرانه، استاندارد زندگی، رفاه، اشتغال مولد، کیفیت تولید و تکنولوژی عادلانه تر درآمد.



خصوصیات توسعه:

توسعه در یک نگرش ساده و در کلیه جوامع، به وضعیتی اطلاق می شود که حداقل ۳ هدف یا شرط را محقق گرداند:

– اولین هدف امکان دسترسی بیشتر به کالاها و خدمات تداوم بخش حیات انسان مانند غذا مسکن و پوشاک است. در این راستا فقط افزایش کمیت این کالاها مد نظر است بلکه توزیع گسترده تر و افزونتر بین آحاد جامعه نیز باید تامین شود.

– دومین هدف افزایش سطح و استانداردهای زندگی و بهره مندی انسان ها از مواهب مادی است.

درآمدی های بالاتر نه تنها درمصد اشتغال بالاتر بهداشت و درمان مطلوب تر آموزش باکیفیت تر تامین امنیت بیشتر و توجه بیشتر به ارزش های فرهنگی و انسانی را که به پیشرفت زندگی مادی کمک می کند بلکه احترام و عزت نفس بیشتر را هم در سطح فردی و هم در سطح ملی القا می کند.

– سومین هدف که غایتی کاملاً کیفی است عبارت است از گسترش دامنه گزینه ها و انتخاب های افراد و ملل در زندگی با ارتقاء حقوق مدنی افراد با آزادی اندیشه ها با برابری در مقابل قانون، رفع تبعیض ها، رهایی از هر نوع قید و بند های وابستگی و بردگی، و مواردی از این قبیل. این هدف به مقوله توسعه علاوه بر وجه درونی (داخل یک کشور)، یک وجه بیرونی بین کشورها یا در جامعه جهانی (می بخشد و آن را به منشوری چند وجهی مبدل می کند.

با توجه به مطالب ذکر شده امید است خوانندگان عزیز با مفاهیم جهانی شدن و توسعه اقتصادی آشنا شده باشند. حال راه های رسیدن به این امر را می توان در افراد جامعه و اداره کنندگان آن جستجو کرد. می توان دریافت که کدامین راه برای رسیدن به آرمانهای جامعه جهانی رشد و توسعه اقتصادی مسیری صحیح و هموار است. آرزوی ما رسیدن کشور و میهن عزیزمان به بالاترین درجه از رشد و توسعه می باشد.

منابع:

1. <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DB%8C%E2%80%8C%D8%B4%D8%AF%D9%86>

۲. فرهادی محلی، علی؛ بررسی تحلیلی پدیده جهانی شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ

۳. تجری غریب آبادی، ذبیح الله؛ تاثیرات جهانی شدن بر صنعت ارتباطات

۴. رزمی، زهرا؛ مفهوم جهانی شدن اقتصاد؛ فرایندی قابل تحلیل

۵. پیشگاهی فرد، زهرا؛ ابعاد جهانی شدن



اثرات مصرف انرژی بر رشد بخش کشاورزی در ایران

الهام عبدی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد-گرایش توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی



چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اثرات مصرف انرژی بر رشد بخش کشاورزی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۰ - ۱۳۵۹ انجام شده است. جهت انجام تحقیق از فرم لگاریتمی داده‌ها و روش ARDL استفاده شد. در این تحقیق متغیرهای ارزش افزوده بخش کشاورزی، موجودی سرمایه، نیروی کار فعال و میزان مصرف انرژی در بخش کشاورزی و متغیر مجازی جنگ بکار گرفته شد. آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته نشان داد که متغیر مصرف انرژی در سطح پایا بود و سایر متغیرها در تفاضل مرتبه اول پایا بودند. طبق نتایج، شاخص‌های موجودی سرمایه و مصرف انرژی در بخش کشاورزی معنادار و دارای اثر مثبت بر رشد بخش کشاورزی هستند. لذا در کوتاه‌مدت و بلند مدت به ازای افزایش یک واحد در مصرف انرژی به ترتیب ۰/۱۸ و ۰/۷۶ واحد به رشد بخش کشاورزی افزوده خواهد شد. تخمین ضریب تصحیح خطا نشان می‌دهد که در هر دوره ۲۴ درصد از عدم تعادل از بین می‌رود.

واژه های کلیدی: مصرف انرژی، مدل رشد، بخش کشاورزی، ARDL، ایران

مقدمه

سیر تحولات اقتصادی در قرون اخیر با کاربرد متنوع انرژی همراه بوده است، اما در دهه هفتاد میلادی تکانه های نفتی همراه با رکود اقتصادی در غرب سبب شد تا نقش انرژی در تحولات اقتصادی جایگاه ویژه ای پیدا کند و در دهه هشتاد میلادی ارتباط بین مصرف (قیمت) انرژی و رشد اقتصادی در کانون توجه تحلیلگران اقتصادی قرار گیرد. از سوی دیگر، اثرهای متقابل انرژی و رشد اقتصادی بحث دیگری را تحت عنوان رابطه علیت مطرح می کند که یکی از موضوعات مهم در این زمینه است و از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد اقتصاددانان و تحلیل گران متعددی از زوایای گوناگونی آن را مورد بررسی قرار داده اند. استرن (۱۹۹۳) معتقد است که انرژی مهمترین عامل در مدل های رشد بیوفیزیکی است (۲). اقتصاددانان نئوکلاسیک نظیر برنت (۱۹۷۸)، معتقدند که انرژی بر نیروی کار و موجودی سرمایه اثر گذاشته و از این رو بطور غیر- مستقیم رشد اقتصادی را متاثر می سازد (۲۱ و ۲۲).

انرژی نقش عمده ای را در طرف عرضه و تقاضای اقتصاد ایفا می کند. در طرف تقاضا، انرژی یکی از محصولاتی است که مصرف کننده می تواند برای حداکثر سازی مطلوبیت خود، آن را بخرد. در طرف عرضه، انرژی در کنار سرمایه، نیروی کار و مواد خام نهاده ای است که، نقش حیاتی در اقتصاد و توسعه اجتماعی کشور ایفا می کند. این نهاده می تواند سبب تسریع رشد اقتصادی شده و استانداردهای زندگی را بالا برد. ایران کشوری است که منابع انرژی بسیاری نظیر ذخایر نفت و گاز طبیعی را در خود جای داده است. این حقیقت، ممکن است سبب این اندیشه شود که این کشور مشکلی در ارتباط با تامین انرژی ندارد. اما تقاضای انرژی در ایران از عرضه انرژی بیشتر است. بنابراین، اقتصاددانان و سیاستگذاران به دنبال بهترین راه برای تخصیص این نهاده به فعالیت ها هستند (۲). بطور متوسط در دوره ۸۹-۱۳۴۶ مصرف انرژی در بخش کشاورزی سالانه بیش از ۵/۵ درصد رشد داشته است و از ۶/۰ میلیون تن معادل نفت خام به ۶/۲ میلیون تن نفت خام افزایش یافته است (۱۹). در سال ۱۳۹۰ مصرف برق از ۲/۲ درصد رشد نسبت به سال ۱۳۸۹ به ۱۸۸/۲ میلیارد کیلو وات ساعت رسید. در این سال بیشترین رشد مصرف برق به بخش کشاورزی با ۳۴/۸ درصد اختصاص داشت و رشد مصرف برق به بخش صنعتی ۳/۹ درصد بود (۲). این در حالی است که ارزش افزوده بخش کشاورزی در این دوره منتخب از رشد سالانه معادل ۴/۲ درصد برخوردار بوده است (۳).



بحران انرژی در غرب ۱۹۷۴-۱۹۷۳ که نتیجه ی افزایش قیمت انرژی و انتقال منحنی عرضه کل اقتصاد به سمت چپ بود ، نمونه کاملاً مشخصی از تاثیر گذاری انرژی در اقتصاد است (۱۹). بخش کشاورزی در ایران ۲۵٪ از اشتغال را به خود اختصاص داده است (۳). بنابراین این بخش نقش مهمی در اقتصاد ایران ایفا کرده و رشد این بخش می تواند به رشد اقتصاد ایران منجر شود (۵). در کشور ما ایران طی برخی دوره های زمانی، ارتباط میان رشد اقتصادی و مصرف انرژی متاثر از وقایعی نظیر انقلاب، جنگ تحمیلی، تحریم های اقتصادی، شوک های نفتی و ... بوده است و در نتیجه بررسی این ارتباط مستلزم در نظر گرفتن پارامترهای مختلف در دوره های زمانی مختلف می باشد (۱). براین اساس در این مطالعه رابطه علیت بین مصرف انرژی، ارزش افزوده، اشتغال و سرمایه گذاری بخش کشاورزی طی سال های ۹۰-۱۳۵۹ مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، این مسئله که آیا رابطه میان مصرف انرژی در کشاورزی و رشد کشاورزی وجود دارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

پیشینه تحقیق

استرن (۱۹۹۳)، به نقل از آیرس و نایر (۱۹۸۴) بیان می کند که در مدل بیو فیزیکی رشد، انرژی مهم ترین عامل رشد است. نیروی کار و سرمایه، عوامل واسطه ای هستند که برای به کارگیری به انرژی وابسته اند. هم چنین استرن (۱۹۹۳) به نقل از اقتصاددانان نئوکلاسیک مانند برنت (۱۹۷۸) و دنیسون (۱۹۷۹ و ۱۹۸۵) بیان می کند که انرژی از طریق تاثیری که بر نیروی کار و سرمایه دارد، به طور غیر مستقیم بر رشد اقتصادی نیز موثر است ولی مستقیماً اثری بر رشد اقتصادی ندارد. (۲۰۶، ۱۹۲) امروزه، در نظریه های جدید رشد، علاوه بر نهاده های کار و سرمایه، انرژی نیز به عنوان یکی از نهاده های مهم تولید در بحث های اقتصاد کلان مطرح است و تولید تابعی از نهاده های کار، سرمایه و انرژی تلقی می شود. هم چنین فرض بر این است که بین میزان استفاده از این نهاده های و سطح تولید رابطه ای مستقیم وجود دارد. از سوی دیگر، مصرف انرژی تابعی معکوس از قیمت آن است و تغییر قیمت انرژی، اثری مهم در مصرف انرژی و در نتیجه در تولید ناخالص ملی دارد (۱۵۹۶).

بدلیل اهمیت گسترده ی این مساله مطالعات متعددی روی آن چه در داخل و چه در خارج از کشور صورت گرفته است که به گزیده ای از آنها اکتفا می کنیم:

لی و چانگ در مقاله ای به بررسی رابطه ی بین مصرف انرژی و تک تک حامل های انرژی و تولید ناخالص داخلی برای تایوان طی دوره ۲۰۰۳ - ۱۹۵۴ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در بلند مدت انرژی بعنوان محرک رشد اقتصادی عمل کرده و در نتیجه سیاست های تحدید انرژی می تواند به رشد اقتصادی آسیب برساند و همچنین به این نتیجه رسیدند که رابطه علی دو طرفه بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی وجود دارد (۲۲).

اوه و لی ۲۰۰۴ به بررسی رابطه علیت بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی در کره با استفاده از داده های سالانه برای دوره ۹۹-۱۹۷۰ می پردازد. آنها از یک مدل تصحیح خطای برداری ۴ متغیره ، شامل تولید ناخالص داخلی ، مصرف انرژی ، اشتغال و سرمایه برای وجود رابطه علیت بین مصرف انرژی بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی می پردازند. آنها بیان می کنند که رشد مصرف انرژی با جایگزینی نیروی کار و سرمایه همراه است . بنابراین متغیرهای سرمایه و نیروی کار را بصورت برونزا در نظر می گیرند . نتایج حاصله از آزمون های علیت در کوتاه مدت و بلند مدت نشان داد که یک رابطه علی دو طرفه بین مصرف انرژی و تولید ناخالص داخلی در بلند مدت برقرار است. در کوتاه مدت ارتباط از طرف انرژی به تولید ناخالص داخلی است (۲۳).

آماده و همکاران ۱۳۸۸ ، طی تحقیقاتی به بررسی رابطه مصرف انرژی رشد اقتصادی در بخش های مختلف پرداخته پرداخته است نتایج حاصل نشان داده که یک رابطه علیت کوتاه مدت و بلند مدت یک طرفه از مصرف انرژی و مصرف نهایی انرژی برق به رشد اقتصادی وجود دارد. یک رابطه علیت کوتاه مدت یک طرفه نیز از رشد اقتصادی به مصرف نهایی گاز طبیعی وجود دارد. علاوه بر این یک رابطه علیت یکطرفه از مصرف نهایی انرژی در بخش صنعت به رشد ارزش افزوده در این بخش وجود دارد . هم چنین یک رابطه علیت کوتاه مدت و بلند مدت یکطرفه از مصرف نهایی انرژی برق در بخش کشاورزی به رشد ارزش افزوده در این بخش وجود دارد (۷).

مهرابی بشر آبادی و همکاران طی یک مقاله به بررسی وضعیت انرژی در بخش کشاورزی در کشور ایران پرداخته است. نتایج نشان داد انرژی ورودی بشکل تجدید پذیر مستقیم و غیر مستقیم تاثیر مثبت و معنی داری در انرژی خروجی دارند. اما انرژی ورودی بشکل تجدید ناپذیر بر انرژی خروجی در بخش کشاورزی تاثیر معنا داری ندارد (۸).



مهر آرا و همکاران طی تحقیقاتی به بررسی اثرات خطی و غیر خطی مصرف انرژی روی رشد اقتصادی در ایران طی دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۴ مبتنی بر رویکرد رگرسیون پرداخته است یافته ها دلالت بر آن دارد که مدل‌های غیر خطی مبتنی بر آماره های تشخیصی و معنی دار بودن ضرایب، نتایج رضایت بخشی تری را نسبت به مدل‌های خطی در تبیین رابطه مصرف انرژی و رشد اقتصادی ارائه می دهد (۹).

بهبودی و همکاران طی مقاله ای به بررسی رابطه ی بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی با تاکید بر شکست ساختاری پرداخته است نتایج نشان می دهد رابطه ی بلند مدت مثبت بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی ایران وجود دارد (۱۰).

عبدلی و همکاران ۱۳۸۸، تحقیقاتی به منظور بررسی ارتباط بین مصرف انرژی و بهبود تکنولوژی پرداخته است. نتایج نشان می دهد که با بهبود تکنولوژی نرخ رشد شدت مصرف انرژی در بخش صنعت بطور متوسط ۱/۵۳ و نرخ رشد شدت مصرف انرژی در بخش کشاورزی را بطور متوسط ۱/۳۲ کاهش خواهد یافت (۱۱).

روش‌شناسی

الگوی خودتوضیحی با وقفه توزیعی (ARDL)

مدل‌سازی اقتصادسنجی با استفاده از سری‌های زمانی به روش‌های سنتی و معمول، مبتنی بر فرض پایایی متغیرهای سری‌زمانی است. در حالی که بسیاری از متغیرهای کلان اقتصادی پایا نیستند و اغلب حاوی یک روند تصادفی (ریشه واحد) می‌باشند که با عمل تفاضل گیری روند مذکور حذف می‌شوند. اما از آنجا که حضور چنین روندی تخمین و استنباط‌های آماری را غیر معتبر می‌سازد، لذا ضروری است از روش‌هایی در برآورد توابع هنگام استفاده از سری‌های زمانی استفاده شود که به مسئله پایایی و همجمعی توجه داشته باشد. بدین منظور می‌توان از روش‌هایی مانند انگل-گرنجر و مدل تصحیح خطا استفاده کرد. با این حال، روش‌هایی مثل انگل-گرنجر در مطالعاتی که با نمونه‌های کوچک سروکار دارند، به دلیل در نظر نگرفتن واکنش‌های پویای کوتاه مدت موجود بین متغیرها، اعتبار لازم را ندارند؛ چرا که برآوردهای حاصل از آنها بدون تورش نبوده و در نتیجه، انجام آزمون فرضیه با استفاده از آماره‌های آزمون معمول مثل t معتبر نخواهد بود (۱۶). بنابراین استفاده از الگوهایی که پویایی‌های کوتاه‌مدت را در خود داشته باشند و منجر به برآورد ضرایب دقیق‌تری از الگو شوند، مورد توجه قرار می‌گیرند. در این زمینه می‌توان از الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) نام برد. در این روش لازم نیست درجه پایایی متغیرها یکسان باشد و صرفاً با تعیین وقفه‌های مناسب برای متغیرها می‌توان مدل مناسب را انتخاب کرد. این روش الگوی بلندمدت و کوتاه‌مدت موجود در مدل را به طور همزمان تخمین می‌زند و مشکلات مربوط به حذف متغیرها و خودهمبستگی را رفع می‌کند.

هارود-دومار در مدل خود، نرخ رشد مطلوب واقعی را در نظر می‌گیرند. نرخ رشد مطلوب، نرخ رشدی است که در آن، تمام تولیدکنندگان در وضعیتی هستند که تمایلی برای افزایش تولید ندارند. در شرایط تعادلی، برای این مدل، با هدف اینکه سرمایه در اشتغال کامل به‌کار گرفته شود، تولید بایستی در نرخ تضمینی رشد یابد. از طرفی برای اینکه نیروی کار در اشتغال کامل به‌کار گرفته شود (در حالی‌که بهره‌وری در حال رشد است)، تولید باید با نرخ طبیعی رشد کند. حال برای اینکه هم نیروی کار و هم سرمایه (در شرایطی که اقتصاد در حال رشد است)، در حال اشتغال کامل باشد، در شرایطی که اقتصاد در حال رشد است، باید عبارت $Y/Y = s/k$ را داشته باشیم. این رابطه به شرط «هارود-دومار» معروف است. از آنجایی که نیروی کار و نرخ پس‌انداز همگی طبق فرض ثابت هستند، برای همین امکان وجود رشد تعادلی همراه با اشتغال کامل سرمایه و نیروی کار، تقریباً صفر است؛ این ضعف عمده به مدل کلاسیک هارود-دومار برمی‌گردد. به فروشی که الگوی مزبور بر آن استوار است، انتقادهای زیادی بر آن وارد می‌شود که براساس آن، عدم قابلیت جانشینی بین سرمایه و نیروی کار وجود دارد و نرخ پس‌انداز ثابت است. اما این الگو در نظریات توسعه، در دوران پس از خود، تأثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشته و به‌نوعی در این زمینه پیشگام نیز بوده است، به همین دلیل الگوی هارود-دومار را به عنوان الگوی معرفی شده در این تحقیق به کار برده خواهد شد (۱۴).

مدل مفهومی (الگوی رشد هارود - دومار)

الگوهای رشد اقتصادی نظریاتی هستند که برای تفسیر و توضیح واقعیت‌های مشاهده شده در زمینه رشد در سطح جهانی ارائه شده‌اند (۱۲).

الگوی رشد کلاسیک؛ خاستگاه الگوهای رشد کلاسیک، اساساً الگوی تعادل ایستا و کوتاه‌مدت کینز (Keynes) است که توسط هارود و دومار در سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۶ به‌صورت جداگانه و با نتایج مشابه انجام شد (۱۳). در این مدل، عواملی مثل انباشت سرمایه، گسترش نیروی اشتغال و پیشرفت تکنولوژی نقش‌های به خصوصی را ایفا می‌کنند (۱۴). عموماً بر سه فرض اساسی بنا شده است:

۱. عرضه نیروی کار به‌صورت برون‌زا تعیین می‌شود.
۲. تابع تولید، نهاده‌های نیروی کار و سرمایه را به سطح تولید مربوط می‌کند.
۳. بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری رابطه وجود دارد.

الگوی رشد هارود-دومار (Harrod-Domar)؛ اولین مدلی که رفتار اقتصادی را در بلندمدت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد، مدل هارود و دومار است. فروض مدل عبارتند از:

۱. اقتصاد در بلندمدت شرایط رقابت کامل را تجربه می‌کند.
۲. نیروی کار با نرخ ثابت و برون‌زا در طول زمان رشد می‌کند.
۳. پس‌انداز تابعی تناسبی از درآمد ملی است:

$$S = s \cdot Y$$

۴. پیشرفت فنی وجود ندارد و موجودی سرمایه بدون استهلاک است.
۵. نسبت سرمایه به محصول و همچنین نسبت نیروی کار به محصول ثابت خواهد بود؛ به این نسبت‌ها ضریب تکنولوژی اطلاق می‌شود: $K/Y = k$.
۶. سرمایه‌گذاری (I) همان تغییر در موجودی سرمایه (K) است که با K/Y نمایش داده می‌شود.



همچنین در مورد نمونه‌های کوچک، این روش دارای قدرت توضیح دهنده بالایی نسبت به سایر روش‌ها است. بنابراین، تخمین‌های آن به دلیل نبود مشکلاتی مانند خودهمبستگی و درون‌زایی، نارپی و کارا هستند. مدل خود توضیح با وقفه‌های گسترده را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$Q(L, P)Y_t = \sum_{i=1}^k \beta_i(L, q_i)X_{it} + \delta'w_t + u_t$$

که در رابطه فوق، Q مقدار ثابت، y_t متغیر وابسته و L عملگر وقفه است؛ به طوری که $LX_t = x_{t-1}$ است. w_t بردار متغیرهای قطعی (غیر تصادفی) هم‌چون عرض از مبدأ، متغیرهای مجازی یا برونزا با وقفه ثابت است. X_{it} بردار متغیرهای توضیحی مدل، q تعداد وقفه‌های بهینه مربوط به هر یک از متغیرهای توضیحی و P تعداد وقفه بهینه مربوط به متغیر وابسته است. در الگوی بالا:

$$Q(L, P) = (1 - Q_1L - Q_2L^2 - \dots - Q_P L^P)$$

$$\beta_i(L, q_i) = \beta_i + \beta_{i1}L + \beta_{i2}L^2 + \dots + \beta_{iq_i}L^{q_i}$$

$$i = 1, 2, \dots, K$$

الگوی تصحیح خطا مزبور، به منظور بررسی ارتباط نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها به تعادل بلندمدت آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. جمله تصحیح خطا (ECT_{t-1}) همان جمله خطای حاصل از برآورد رابطه بلندمدت به روش ARDL است که با یک وقفه زمانی در الگو در نظر گرفته می‌شود. $Q(L, \hat{p})$ ضریب جزء تصحیح خطاست که نشان دهنده سرعت تعدیل به سمت تعادل بلندمدت است، این ضریب نشان می‌دهد در هر دوره، چند درصد از عدم تعادل متغیر وابسته تعدیل شده و به سمت رابطه بلندمدت نزدیک می‌شود، انتظار می‌رود علامت این متغیر، منفی و مقدار آن از منفی یک تا صفر تغییر کند (۱۷).

در این مطالعه، جهت برآورد الگوی رشد بخش کشاورزی ایران داده‌های لازم بر حسب میلیارد ریال به قیمت پایه سال ۱۳۷۶ طی دوره زمانی ۹۰-۱۳۵۹ مورد استفاده قرار گرفت. اطلاعات مورد نیاز به روش مطالعه-اسنادی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آمار ایران و وزارت جهاد کشاورزی و فائوگردآوری شد.

بنابراین در این پژوهش نیز جهت برآورد الگو از روابط فوق استفاده شد. همچنین جهت تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق از بسته‌های نرم‌افزاری Microfit ۴.۰ و Eviews ۷.۰ بهره گرفته شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور بررسی پایداری متغیرهای الگو از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته استفاده گردید. نتایج جدول (۱) حاکی از آن بود که متغیر میزان مصرف انرژی در سطح پایا بود اما متغیره (ADF) ای ارزش افزوده در بخش کشاورزی، نیروی کار در بخش کشاورزی، سرمایه در بخش کشاورزی در سطح ناپایا بودند و در تفاضل مرتبه اول پایا شدند.

آن‌ها دو گروه از مقادیر بحرانی را ارائه کردند: یکی بر این اساس که تمام متغیرها پایا هستند و دیگری بر این اساس که همگی ناپایا هستند. اگر F محاسباتی در خارج از این مرز قرار گیرد یک تصمیم قطعی بدون نیاز به دانستن اینکه متغیرها $I(0)$ یا $I(1)$ هستند، گرفته می‌شود. اگر F محاسباتی فراتر از محدوده بالایی قرار گیرد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد شده و اگر پایین‌تر از محدوده پایینی قرار گیرد، فرضیه صفر مذکور پذیرفته می‌شود. اگر F محاسباتی در بین دو محدوده قرار گیرد، نتایج استنباط، غیر قطعی و وابسته به این است که متغیرها $I(0)$ یا $I(1)$ باشند (۱۶). بنابراین اگر وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل اثبات شد، تخمین و تحلیل ضرایب بلندمدت و استنتاج در مورد ارزش آنها صورت می‌گیرد. وجود همجمعی بین مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی مبنای آماری استفاده از الگوهای تصحیح خطا را فراهم می‌کند. الگوی تصحیح خطا متناسب با الگوی ARDL به صورت زیر است:

$$\Delta y_t = \delta' \Delta w_t - \sum_{j=1}^{p'-1} Q^* \Delta y_{t-j} + \sum_{i=1}^k \beta_i \Delta x_{it}$$

$$- \sum_{i=1}^k \sum_{j=1}^{q_i-1} \beta_{ij}^* \Delta x_{t,i-j} - Q(L, \hat{p}) ECT_{t-1} + u_t$$

$$ECT = y_t - Q^* - \sum_{j=1}^k \hat{\beta}_i \Delta x_{it}$$

که در آن Δw_t ، Δx_{it} ، Δy_t به ترتیب نشان دهنده مقادیر با وقفه متغیرهای وابسته، توضیحی و بردارهای قطعی و ضرایب β_{ij}^* و Q^* نشان دهنده ضرایب مربوط به الگوی تصحیح خطا هستند.

معادلات فوق با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی برای تمامی مقادیر $P = 0, 1, 2, \dots, m$ و $q_i = 0, 1, 2, \dots, m$ یعنی به تعداد $(m+1)^{k+1}$ مدل مختلف ARDL تخمین زده می‌شوند. حداکثر تعداد وقفه‌ها ابتدا از سوی محقق تعیین می‌گردد. تمامی مدل‌ها در محدوده زمانی $(t = m+1, \dots, n)$ تخمین زده می‌شوند. در مرحله بعد تعداد وقفه‌های بهینه برای هر یک از متغیرهای توضیحی با استفاده از یکی از معیارهای آکائیک (AIC)، شوارز-بیزین (SBC)، حنان-کوئین (HQ) یا ضریب تعیین تعدیل شده، تعیین می‌شوند. معمولاً در نمونه‌های کمتر از ۱۰۰، از معیار شوارز-بیزین استفاده می‌شود. زیرا این معیار در تعداد وقفه‌ها صرفه جویی می‌کند تا درجه آزادی زیادی از دست نرود. برای محاسبه ضرایب بلندمدت از همان مدل‌پویا استفاده می‌شود. ضرایب بلندمدت متغیرهای توضیح دهنده از رابطه (۴) دست می‌آیند:

$$\hat{\theta}_i = \frac{\hat{\beta}_i(1, q_i)}{1 - \hat{Q}(1, P)} = \frac{\hat{\beta}_{i0} + \hat{\beta}_{i1} + \dots + \hat{\beta}_{iq_i}}{1 - \hat{Q}_1 - \hat{Q}_2 - \dots - \hat{Q}_p}, \quad i = 1, 2, \dots, K$$

به منظور تخمین رابطه بلندمدت، ابتدا می‌بایست وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحت بررسی آزمون شود. برای آزمون همگرایی با توجه به روش ارائه شده توسط Pesaran and Pesaran در سال ۱۹۹۷ (۲۴) وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحت بررسی به وسیله محاسبه آماره F برای آزمون معناداری سطوح با وقفه متغیرها در مدل تصحیح خطا مورد آزمایش قرار می‌گیرد. پسران مقادیر بحرانی مناسب را متناظر با تعداد رگرسورها و اینکه مدل شامل عرض از مبدأ و روند است یا خیر محاسبه کردند.



براساس نتایج جدول (۲) مشاهده می‌شود که بخشی از تغییرات رشد بخش کشاورزی به وسیله وضعیت متغیر با وقفه $(X(-1))$ ارزش افزوده کشاورزی توضیح داده می‌شود. این مطلب بیان می‌کند که ساختار موجود رشد بخش کشاورزی نقش تعیین کننده‌ای در تعیین سرنوشت رشد بخش دارد و برای توسعه آن باید به ماهیت موجود در آن و ایجاد تحول ساختاری در حوضه رشد بخش کشاورزی توجه کافی نمود. چون با افزایش ارزش افزوده سرمایه گذاری در بخش کشاورزی بیشتر می‌شود، در نتیجه آن موجب رشد اقتصادی خواهد شد.

ضریب نسبت سرمایه و انرژی مطابق تئوری، معنادار و تأثیر مثبتی بر روی رشد بخش کشاورزی دارد. به عبارتی در کوتاه مدت با افزایش یک واحدی در میزان سرمایه و انرژی، رشد بخش کشاورزی به ترتیب به میزان 0.084 و 0.18 واحد افزایش یافته است. در مورد سرمای می توان گفت که با افزایش سرمایه دسترسی بیشتر به منابع مالی امکان فراهم آوردن انرژی مورد نیاز برای این بخش را ایجاد و موجب رشد آن خواهد شد. همچنین طبق نتایج در کوتاه مدت شاخص های نیروی کار (L) و متغیر مجازی جنگ تحمیلی (DU) از نظر آماری معنی دار نشدند.

آزمون های تشخیصی و ثبات ساختاری الگو

برای اطمینان از درستی اعتبار الگوی رشد بخش کشاورزی ایران نتایج آزمون های تشخیصی ارائه شده در جدول (۳) با توجه به آماره F برقراری تمامی فروض کلاسیک را تایید می‌کند. به طوری که مشکلات خود همبستگی و ناهمسانی واریانس را نداشته و فرم تصریحی، درست و جملات خطا به طور نرمال توزیع شده اند و اعتبار آماری نتایج تایید می‌شود.

جدول (۳) نتایج آزمون های تشخیصی الگو

فروض کلاسیک	آزمون LM	آزمون F
آزمون همبستگی سریالی جمله پسماند	$[0.223]$ ۱/۴۸	$[0.283]$ ۱/۲۰
آزمون رمزی برای تصریح غلط شکل تبعی	$[0.616]$ ۰/۲۵	$[0.662]$ ۰/۱۹
آزمون توزیع نرمال جملات پسماند	$[0.701]$ ۰/۵۵	
آزمون واریانس ناهمسانی	$[0.055]$ ۳/۶۹	$[0.057]$ ۳/۹۲

بنابراین داده های سری زمانی این مطالعه اکثراً ناپایا بوده و لذا با توجه به اینکه همه متغیرها در یک مرتبه یکسان پایا نیستند، جهت برآورد الگوی مورد نظر، از رهیافت الگوی خود توضیح با وقفه های گسترده (ARDL) استفاده شد. بنابراین در این مطالعه با توجه به اینکه داده های تحقیق به صورت سالیانه بود، بیشترین وقفه ۱ لحاظ گردید زیرا وقفه ۱ به برآورد بهتری از الگو منجر شد. همچنین با توجه به اینکه شمار داده های مورد بررسی کمتر از ۱۰۰ بود، از معیار شوارتز-بیزین (SBC) استفاده شد.

جدول (۱) آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF)

متغیر	آماره ADF	مقادیر بحرانی در سطوح			درجه ساکن پذیر	وضعیت
		۱۰ درصد	۵ درصد	۱ درصد		
- ارزش افزوده بخش کشاورزی	-۷/۲۲	-۳/۶۷	-۲/۹۶	-۲/۶۲	I(1)	عرض از مبدا
- نیروی کار در بخش کشاورزی	-۴/۴۴	-۳/۶۷	-۲/۹۶	-۲/۶۲	I(1)	عرض از مبدا
- سرمایه در بخش کشاورزی	-۸/۷۹	-۲/۶۴	-۱/۹۵	-۱/۶۱	I(1)	بدون
- میزان مصرف انرژی	-۳/۱۱	-۳/۶۶	-۲/۹۶	-۲/۶۱	I(0)	عرض از مبدا

مأخذ: یافته های تحقیق

الگوی کوتاه مدت رشد بخش کشاورزی

نتایج جدول (۲) تفصیلی رابطه کوتاه مدت الگوی رشد بخش کشاورزی ایران، حاصل از تحلیل همجمعی الگوی ARDL در جدول زیر ذکر شده است. مقدار ضریب خوبی برآزش ۹۸ درصد حاکی از قدرت توضیح دهندگی متغیرهای به کار رفته در مدل است. آماره F کل مدل برآورد شده از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. مقدار آماره اچ-دوربین برای مدل مورد نظر برابر $1/22$ - می باشد که به دلیل قرار گرفتن در بازه $\pm 1/96$ فرض خود همبستگی را رد می‌کند.

جدول (۲) نتایج برآورد الگوی پویای ARDL (۱,۰,۰,۰,۰)

نام متغیر	ضریب	آماره t
ارزش افزوده کشاورزی با یک وقفه $(GDP(-1))$	۰/۷۵	۸/۳۸***
نسبت سرمایه (K)	۰/۰۸۴	۲/۱۵**
نیروی کار (L)	۰/۰۶۲	۰/۷۱ ^{us}
مصرف انرژی (E)	۰/۱۸	۲/۰۱*
متغیر مجازی جنگ (DU)	-۰/۰۳۹	-۱/۰۸ ^{us}
ضریب ثابت (C)	۱/۶۱	۱/۹۹*
$R^2 = 0.983$		-0.98
$[0.000]$		



ضریب سرمایه (K) مثبت، معنادار و منطبق با تئوری است. بدین معنا که اگر سرمایه یک درصد افزایش یابد و یا در صورت ثابت بودن سرمایه، از سرمایه یک درصد کاسته می شود، میزان رشد بخش کشاورزی حدود ۰/۳۴ درصد افزایش می یابد. تاثیرات نیروی کار (L) هر چند مثبت است، ولی به لحاظ آماری معنادار نیست. ضریب متغیر مجازی جنگ تحمیلی (DU) بی معنی و منفی بدست آمد.

مدل تصحیح خطای الگوی رشد بخش کشاورزی

نتایج برآورد مدل تصحیح خطا در جدول (۵) آمده است. براساس آن ضریب جمله تصحیح خطا $ECT(-1)$ معادل ۰/۲۴ - محاسبه شد که از لحاظ آماری معنادار و علامت آن مورد انتظار (منفی) می باشد. مقدار این ضریب بیانگر آن است که در هر سال ۰/۲۴ از عدم تعادل یک دوره در رشد بخش کشاورزی در دوره بعد تعدیل می شود. علاوه بر این تقریباً زمانی کمتر از ۲ دوره لازم است تا خطای تعادل کوتاه مدت تصحیح گردد و مدل به تعادل بلندمدت بازگردد. لذا سرعت تعدیل در الگوی فوق بالا و مطلوب می باشد.

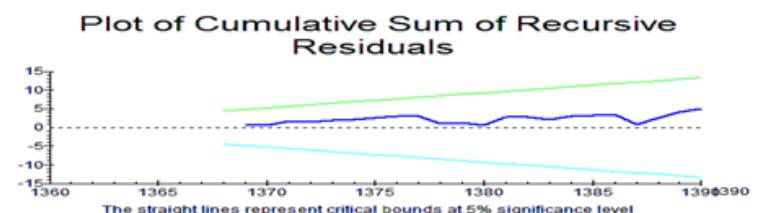
جدول (۵) الگوی تصحیح خطا ARDL (۱,۰,۰,۰,۰,۰)

متغیر	ضریب	آماره t
- تفاضل نیروی کار	۰/۰۶	۰/۷۱ ^{US}
- تفاضل سرمایه گذاری	۰/۰۸۴	۲/۱۵ ^{**}
- تفاضل مصرف انرژی	۰/۱۸	۲/۰۱ [*]
- تفاضل متغیر مجازی جنگ	-۰/۰۳۹	۱/۰۸ ^{US}
- تفاضل عرض از مبدأ	۱/۶۱	۱/۹۹ [*]
- ضریب تصحیح خطا	-۰/۲۴	-۲/۶۸ ^{**}
DW = ۲/۳۸		$R^2 = ۰/۲۴$

بحث و نتیجه گیری

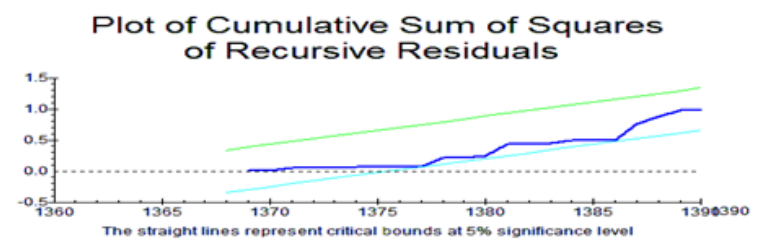
در این پژوهش الگوی مورد بررسی رشد بخش کشاورزی که در آن برای توصیف رشد بخش در کنار متغیرهای اصلی تاثیرگذار در آن منظور شد. بنابراین برآورد الگوی رشد بخش کشاورزی ایران طی دوره زمانی ۹۰ - ۱۳۵۹ با استفاده از روش ARDL انجام شد. از توصیف نتایج تحقیق استنباط می شود که رشد بخش کشاورزی ایران در بلندمدت و کوتاه مدت به طور اساسی به وضعیت متغیرهای مبنایی مثل نسبت سرمایه و انرژی وابسته است و متغیرهای نیروی کار و مجازی جنگ نمی تواند اثر تعیین کننده ای بر روند رشد بخش کشاورزی داشته باشد. بر این اساس پیشنهاد می شود با توجه به رابطه ی مثبت ارزش افزوده و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، با استفاده از تکنولوژی های مدرن تولید در بخش کشاورزی و مصرف انرژی امکان بالا بردن ارزش افزوده در بخش کشاورزی امکان پذیر و در نتیجه منجر به رشد بخش خواهد شد.

همچنین به منظور بررسی ثبات ضرایب الگوی رشد، از آزمون های مجموع تجمعی (CUSUM) و مجموع مجذور تجمعی (CUSUMSQ) استفاده شد. براساس اشکال زیر آماره آزمون های CUSUM و CUSUMSQ در داخل خطوط مستقیم قرار دارد و نتایج این آزمون نشان از پایداری ضرایب برآوردی داشته و به علت قرار گرفتن در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، شکست ساختاری در مدل وجود ندارد.



شکل (۱)

آزمون مجموع مجذور تجمعی (CUSUMSQ)



شکل (۲)

الگوی بلندمدت رشد بخش کشاورزی

برای بررسی وجود رابطه همجمله آماره $F(3/6)$ فراتر از کرانه بالای جدول Pesaran and Pesaran (1997) در حالت ۴ رگرسور و مدل دارای عرض از مبدأ (۳/۵۷ و ۲/۴۲) در سطح ۱۰ درصد است. بنابراین هم انباشتگی متغیرهای مدل مورد تأیید قرار می گیرد و الگوی بلندمدت رشد بخش کشاورزی ایران برآورد و نتایج آن در جدول (۴) ذکر شده است.

جدول (۴) نتایج برآورد الگوی بلند مدت رشد بخش کشاورزی

نام متغیر	ضریب	آماره t
نسبت سرمایه (K)	۰/۳۴	۲/۳۱ ^{**}
نیروی کار (L)	۰/۲۷	۰/۷۹ ^{US}
مصرف انرژی (E)	۰/۷۶	۳/۲۱ [*]
متغیر مجازی جنگ (DU)	-۰/۱۶۳	-۱/۱۴ ^{US}
ضریب ثابت (C)	۶/۶۷	۲/۱۰ ^{**}

***، **، * به ترتیب معنی داری در سطوح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ را نشان می دهد.

براساس نتایج مشاهده می شود که رشد نسبت به تغییرات مصرف انرژی حساسیت بیشتری در مقایسه با سایر عوامل موثر منظور شده در مدل دارد. کشش رشد نسبت به مصرف انرژی حدود ۰/۷۶ است. این واقعیت نشان می دهد که چنانچه انرژی مصرفی در بخش کشاورزی، یک درصد افزایش یابد، ارزش رشد بخش کشاورزی ۰/۷۶ درصد در بلندمدت افزایش پیدا کرده است. بنابراین رشد مصرف انرژی کشاورزی در کوتاه مدت و بلندمدت همسو با رشد اقتصاد کشاورزی کشور است.

Abstract

The effect of energy consumption on growth of agriculture part in Iran

Elham abdi *, Vahid azizi, Shokoofeh soleimanzadeh

The aim of this research is studying the effects of energy consumption on growth of agriculture in Iran at time period 1359-1390. For completing the research logarithm form of data and method ARDL used. In this research the variables of agricultural value added, capital inventory, active worker and the rate of energy consumption in agriculture part and abstract variable was used. The generalized test of diki foler showed that energy consumption variable was in steady state and another variable at difference of first step were steady. According to results indexes of capital inventory and energy consumption in agriculture part is meaningful and has positive effect on growth of agriculture part. So in short time and long time in exchange for increasing one unit of energy consumption respectively 0/18 and 0/76 unit the growth of agriculture part is increased. The estimation of error correction coefficient show that at each time 24 percent of unbalance is vanished.

Keywords: energy consumption, Growth model, growth of agriculture, ARDL, IRAN

فهرست منابع

۱۵. ملکی، رضا. (۱۳۷۸). «بررسی رابطه علیت بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی در ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. تشکینی، ا. (۱۳۸۶). «کاربرد اقتصاد سنجی با Microfit»، تهران، شرکت چاپ و نشر، موسسه فرهنگی و هنری دیباگران.
۱۷. نوفرستی، م. (۱۳۹۱). «ریشه واحد و همجمعی اقتصاد سنجی»، تهران، رسا زبان.
۱۸. خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۰، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. وزارت نیرو ۱۳۸۹. ترازنامه انرژی، تهران. قابل دسترس در پایگاه اطلاع رسانی <http://pep.moe.org.ir>
20. Stern, D.I., (1993). Energy and economic growth in the USA. A multivariate approach. Energy Economics 15, 137–150.
21. Berndt, E.R and Wood, D.O. (1975). Technology, price and the derived demand for energy. Review of Economic and Statistics. NO. 57.
22. Lee, Ch. And Chang Ch. (2005) Structural Breaks, Energy Consumption and Economic Growth Revisited: Evidence from Taiwan; Energy Economics No. 27, PP. 857-872).
23. Oh, W. and K. Lee (2004). "Causal Relationship between Energy Consumption and GDP Revisited: The Case of Korea 1970-1999", Energy Economics, 26, 51-59.
24. Pesaran, M.H. & B. Pesaran. (1997). Microfit 4.1 (Window Version). Oxford University Press, UK.
25. Food and Agriculture Organization. 2008. Statistical Database, <http://www.fao.org>.

۱. فاضلی ویسری، سمیرا. دودایی نژاد، امیر. سجادی، حسین. (۱۳۹۲). «رابطه بین رشد اقتصادی و مصرف برق در ایران»، نخستین کنفرانس ملی انجمن انرژی ایران.
۲. باغستانی، علی اکبر. شرافتمند، حبیب. (۱۳۸۹). «بررسی تاثیر مصرف انرژی بر رشد بخش کشاورزی در ایران»، اولین همایش ملی انرژی و محیط زیست.
۳. وافی، داریوش. (۱۳۸۱). «تحلیل روند بهره وری انرژی در بخش های مختلف اقتصادی طی سه دهه گذشته و محاسبه کشش نهاده ای و قیمتی انرژی در بخش صنعت»، موسسه مطالعات بین المللی انرژی.
۴. آرمن، سید عزیز. زارع، رحمان. (۱۳۸۴). «بررسی رابطه علیت گرنجر میان مصرف انرژی و رشد اقتصادی در ایران». مجله دانش و توسعه. شماره ۲۴.
۵. نصر نیا، فاطمه. اسماعیلی، عبدالکریم. «رابطه علی بین انرژی با اشتغال، سرمایه گذاری و ارزش افزوده در بخش کشاورزی».
۶. آرمن، سید عزیز. زارع، رحمان. (۱۳۸۸). «مصرف انرژی در بخش های مختلف و ارتباط آن با رشد اقتصادی در ایران: تحلیل علیت بر اساس روش تودا و یاماموتو». فصل نامه ی مطالعات اقتصاد انرژی، سال ششم، صفحات ۹۲-۶۷.
۷. آماده، حمید. قاضی، عباسی فر ز. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه ی مصرف انرژی و رشد اقتصادی و اشتغال در بخش های مختلف اقتصاد ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۸۶، ص ۳۸-۱.
۸. مهربانی بشر آبادی، حسین. اسمعیلی، عادل. (۱۳۹۰). «تجزیه تحلیل ورودی-خروجی انرژی در بخش کشاورزی ایران»، اقتصاد کشاورزی ایران، سال ۱۹، ش ۷۴.
۹. مهر آرا، محسن. زارعی، محمود. (۱۳۹۰). «اثرات غیر خطی مصرف انرژی بر رشد اقتصادی مبتنی بر رویکرد حد آستانه ای». فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، ش ۱۱، ۵۳-۴۳.
۱۰. بهبودی، داوود. اصغرپور، حسین. قزوینیان، محمد حسن. (۱۳۸۸). «شکست ساختاری، مصرف انرژی و رشد اقتصادی ایران ۱۳۴۶-۱۳۸۴»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال نهم، شماره سوم ۸۴-۵۳.
۱۱. عبدلی، قهرمان. وهرامی، ویدا. (۱۳۸۸). فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال ششم، شماره ۲۳، ۴۱-۲۳.
۱۲. کتاب توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، علی محمد احمدی، وحید شقاقی شهری، ۱۳۸۶.
۱۳. گرجی، ابراهیم و مدنی، شیما؛ اقتصاد کلان دینامیک، تهران، سمت، ۱۳۸۸، چاپ اول، ص ۲۵.
۱۴. محمدزاده اصل، نازی.



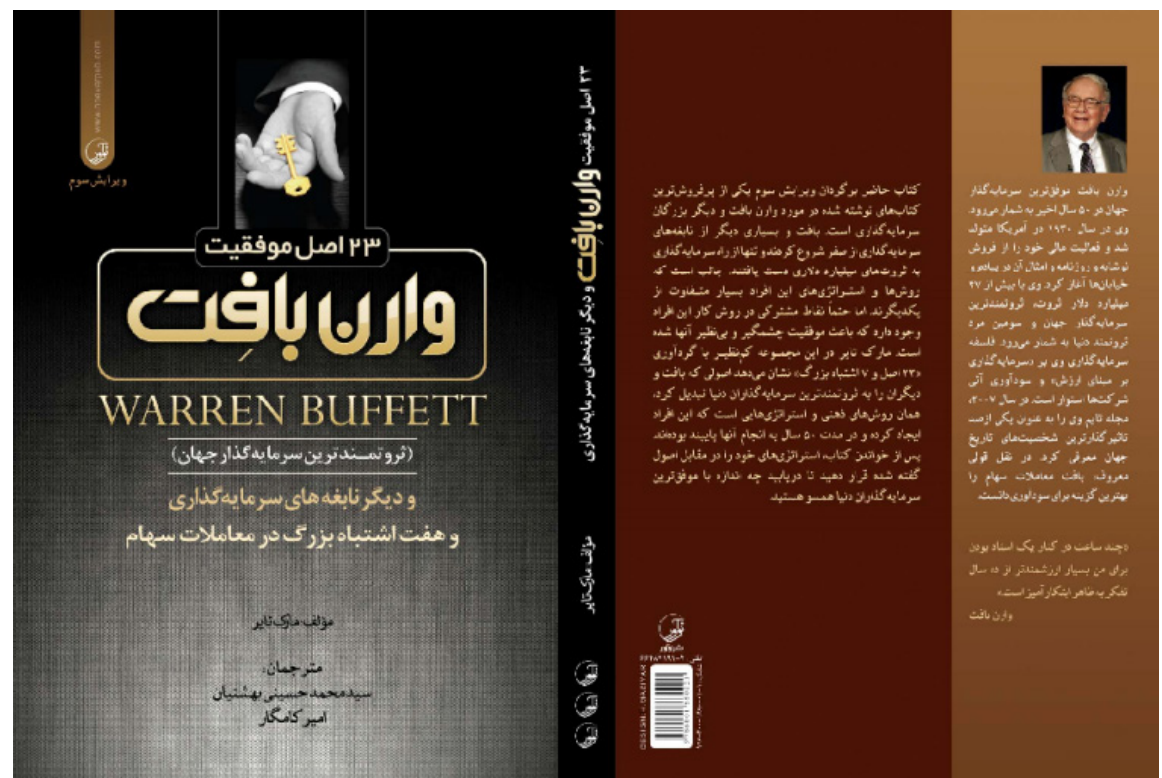
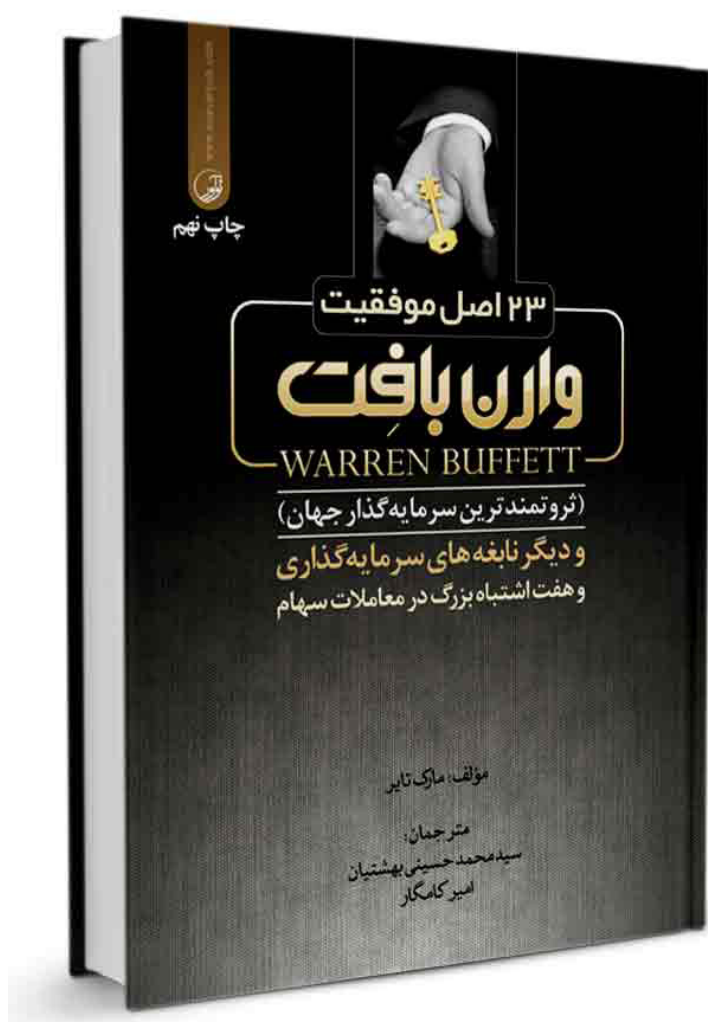
معرفی کتاب-۲۳ اصل موفقیت امیز وارن بافت

رقیه قلی زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد-گرایش توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی

مارک تاپر نویسنده استرالیایی کتاب حاضر که خود از فعالان و افراد موفق در بازار سرمایه به شمار می‌رود وسالهست که به معامله گران مشاوره های ارزشمندی رادر این بازار ارائه می‌دهد. کتاب حاضر برگردان ویرایش سوم یکی از پرفروش ترین کتاب های نوشته شده در مورد وارن بافت و دیگر بزرگان سرمایه گذاری است. بافت و بسیاری دیگر از نابغه های سرمایه گذاری از صفر شروع کردند و تنها از راه سرمایه گذاری به ثروت های میلیاردی دست یافتند. جالب است که روش ها و استراتژی های این افراد بسیار متفاوت از یکدیگرند. اما حتما نقاط مشترکی در روش کار این افراد وجود دارد که باعث موفقیت چشمگیر و بی نظیر آنها شده است. مارک تاپر در این مجموعه کم نظیر با گرد آوری «۲۳ اصل و ۷ اشتباه بزرگ» نشان می‌دهد اصولی که بافت و دیگران را به ثروتمند ترین سرمایه گذاران دنیا تبدیل کرد، همان روش های ذهنی و استراتژی های این افراد ایجاد کرده و در مدت ۵۰ سال به انجام آنها پایبند بوده اند. پس از خواندن کتاب، استراتژی های خود را در مقابل اصول گفته شده قرار دهید تا دریابید چه اندازه با موفق ترین سرمایه گذاران دنیا همسو هستید.

هدف اصلی این کتاب این است که بسیاری از افراد فعالیت خود را در بازار آغاز کرده و شروع به مطالعه انواع تحلیل ها کرده که خود را با باید ها و نبایدها اساسی برای موفقیت در معاملات سهام و سایر ابزارهای مالی آشنا کنند، این باید ها و نبایدها، عادت ها و روش های ذهنی و عملی هستند که بدون تردید بسیار ضروری تر و اساسی تر از این تحلیل ها به شمار می‌روند. اساس موفقیت در هر فعالیتی نوع تفکر فر، ذهنیت و عادت های روانشناختی اوست.



منبع

۲۳ اصل موفقیت امیز وارن بافت، مولف مارک تاپر